

بسم الله الرحمن الرحيم

حقوق حیوانات در اسلام

- پاسخ به شبهات -

نویسنده: «رد شبهات ملحدین»

حقوق حیوانات در اسلام



تهیه شده در: «رد شبهات ملحدین»
تابستان ۱۳۹۷



no-atheism.net

no_atheism

fb/islamway1434

no_atheism

aparat/asteira

چندیست که برخی از اسلام‌ستیزهای متعصب و فاقد اخلاق - به اصطلاح - انسانی با بازیچه قرار دادن برخی از احادیث در خصوص حقوق حیوانات در اسلام، دست به یاوه‌گویی زدند که به فضل خدای رحمان به شبهات آنها مستدل پاسخ خواهیم داد. هر چند واقعیت امر این است که این گروه معاند که اخلاق نداشته خویش را از برخی حیوانات به ارث برده‌اند و خویشان را از نسل آنان دانسته چگونه جرأت ایراد به حقوق حیوانات در اسلام گرفته‌اند حال اینکه معیاری برای خوب و بد اخلاق ندارند و اکنون دم از اخلاق و حقوق حیوانات می‌زنند!

در این کتابچه بصورت خاص به بررسی احادیثی که در رابطه با «کشتن سگ» است پرداخته می‌شود، اینکه آیا کشتن سگ‌ها در اسلام جائز است یا نه؟ موضوعیست که در زمره‌ی شبهات متداول اسلام‌ستیزها مطرح بوده و توسط یک سری از معاندین خدانا‌باور ایرانی هم که شیرین عقلی آنها برای ما و عموم مردم هویداست با بی‌اخلاقی و بی‌ادبی چندیست مجدداً با حمال‌کشی - که صفت بارز آنان بوده - به نشر آن اقدام نموده‌اند!

معتزض می‌نویسد: «اسلام‌گرا مدعی شده اسلام به حقوق حیوانات توجه زیادی کرده حال آنکه پیامبر ... دستور به کشتن تمامی سگ‌های بینوا داده ... صحیح بخاری روایت ۳۳۲۳ آیا سگ کشی امری انسانی و اخلاقیست؟ آیا پیامبر اسلام بویی از انسانیت و شرافت برده است؟»

پاسخ:

اولاً: نیکوست روشن شود که ادعای اسلام‌گرایان که خاری در چشم اسلام‌ستیزها و خدانا‌باوران ایرانی - هدام الله - شده است چه بوده؟ اصل موضوع این بود، چندی پیش مطلبی بعنوان سلسله حقوق حیوانات در اسلام، در فضای مجازی منتشر شد و - ان شاء الله - ادامه خواهد داشت، لیکن این اسلام‌ستیزها بدون توجه به فحوای مطالب و با فریاد دردناک ناشی از خاری که در چشمشان فرو رفته

در حال دست و پا زدن هستند و ابراز درد می‌کنند و ما نیز به آنها می‌گوئیم که دست از تعصب و عناد و بی‌ادبی بردارید و با عقل و خردی که دائماً خود را بدان منتسب می‌کنید به این مطالب نظر بیاندازید و به جای اتهام زنی و نمایش شیرین عقلی خودتان بهتر است اندکی در رابطه با موضوع مربوطه پژوهش داشته باشید!

ثانیاً: قبل از بررسی حدیث مورد استناد معترض، جا دارد به موضوع مهم و شایعی اشاره شود که این روزها شدیداً از جانب اسلام‌ستیزها و نیز اندکی از مسلمانان فریب‌خورده مطرح بوده و آن «نجس بودن سگ‌ها» است که از دیدگاه قرآن و سنت و فقه اسلامی به این شبهه برای همیشه پاسخ خواهیم داد، لذا نیکوست بیان شود در قرآن کریم هیچ دلیل صریحی مبنی بر نجاست سگ‌ها وجود ندارد و در سنت صحیح نیز دلیلی که صریح و واضح باشد در خصوص نجاست سگ‌ها، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده و این نکته‌ی مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد چراکه مصادر شریعت نزد مسلمین، قرآن و سنت است!

دلایل پاک بودن بدن سگ‌ها با استناد به قرآن و سنت

برخلاف آنچه که شایع است در مورد نجاست سگ‌ها، اما با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله می‌توان استنباط نمود که بدن سگ نجس نیست و این دیدگاه مقبول جمهور فقهاء از حنفیه، مالکیه و حنابله می‌باشد.

دلیل اول: خداوند متعال فرموده: ﴿وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾ [مائده: ۴]

یعنی: «و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما بعنوان مربیان سگ‌های شکاری، از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده‌اید [برای شما حلال شده است] پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید، و نام خدا را بر آن ببرید.»

و در حدیثی صحیح، عدی بن حاتم رضی الله عنه گوید: از حکم سگ شکاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردم آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «إذا أرسلت كلابك المعلمة، وذكر اسم الله، فكل مما أمسكن عليك، إلا أن يأكل الكلب فلا تأكل، فإني أخاف أن يكون إنما أمسك على نفسه، وإن خالطها كلب من غيرها فلا تأكل.»^۱ یعنی: «هرگاه سگ‌های [شکاری] تربیت یافته‌ات را فرستادی و بسم الله را گفتی، پس چیزی را که برای نگه داشتند بخور مگر اینکه سگ از این شکار خورده باشد در این حالت جائز نیست بخوری. من از این می‌ترسم که سگ، شکار را برای خودش نگه دارد و اگر آن را با چیزی دیگر آمیخت پس آن را نخور.»

وجه استدلال: باتوجه به این دلایل، سه حالت مورد نظر است:

اول اینکه: با استناد به این آیه، نگهداری از سگ‌ها و برای شکار جائز است و آن در سنت صحیح نیز ثابت است و سگ مزرعه و گله نیز بدان اضافه شده است.^۲ ابن عمر رضی الله عنهما از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمودند: «من اقتنى كلبا، إلا كلب ماشية، أو ضاريا، نقص من عمله كل يوم قيراطان»^۳ یعنی: «هرکس سگی بجز سگ گله یا شکاری، نگهداری کند هر روز دو قیراط از [پاداش] اعمالش کاسته می‌شود.» و در حدیث دیگر به سگ نگهبان مزرعه نیز تصریح شده است.^۴ از این رو نیازی که نگهداری سگ را مجاز می‌دارد باتوجه به ورود حدیث مذکور، در این حالات سه‌گانه، مزرعه، گله و

^۱ - صحیح البخاری، (ط: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ)، ج ۷، ص ۸۸ ح ۵۴۸۷؛ صحیح مسلم، (ط: إحياء التراث العربی، بیروت)، ج ۳، ص ۱۵۲۹ ح ۱۹۲۹.

^۲ - الجامع لأحكام القرآن - القرطبی، (ط: ۲، دار الكتب المصرية، القاهرة، ۱۹۶۴م)، ج ۶، ص ۷۳: «ودلت الآية على جواز اتخاذ الكلاب واقتنائها للصيد، وثبت ذلك في صحيح السنة وزادت الحرث والماشية.»؛ همچنین بنگرید به:

[شرح صحیح البخاری لابن بطال، (ط: ۲، مكتبة الرشد، الرياض، ۲۰۰۳م)، ج ۶، ص ۴۵۹]

^۳ - صحیح البخاری، ج ۷، ص ۸۷ ح ۵۴۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۰۱ ح ۱۵۷۴.

^۴ - ر.ک: صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۰۳ ح ۲۳۲۲؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۰۳ ح ۱۵۷۵.

شکار، در نگهداری آن رخصت داده شده و این موارد به اتفاق جائز است.^۱ و بنابر نظر اصح (صحیح‌تر) مذهب شافعی، نگهداری از سگ برای نگهداری جلوی درب منازل نیز جائز است.^۲ و سبب آن قیاس بر سه حالت مذکور در حدیث است که به علت مفهومی حدیث عمل می‌شود و آن «ضرورت و نیاز» است.^۳

از تابعی جلیل‌القدر هشام بن عروه رحمته الله (م ۱۴۶هـ) در مورد نگهداری سگ برای حفاظت از خانه سؤال شد؟ در پاسخ فرمود: «اشکالی ندارد مادام که محل خانه ترسناک باشد.»^۴ و نزد حنفیه رحمته الله نیز استفاده

^۱ - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، (ط: ۲، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۲هـ)، ج ۳، ص ۱۸۶: «وأما الحاجة التي يجوز الاقتناء لها فقد ورد هذا الحديث بالترخيص لأحد ثلاثة أشياء وهي الزرع والماشية والصيد وهذا جائز بلا خلاف»؛ همچنین بنگرید به: [المغنی لابن قدامة، (ط: مكتبة القاهرة، ۱۹۶۸م)، ج ۴، ص ۱۹۱؛ مجموع الفتاوی - ابن تیمیة، (ط: مجمع الملك فهد، المدينة النبویة، المملكة العربية السعودية، ۱۹۹۵م)، ج ۳۲، ص ۲۵۹؛ رد المحتار علی الدر المختار - ابن عابدين، (ط: ۲، دار الفكر، بیروت، ۱۹۹۲م)، ؛ الموسوعة الفقهية الكويتية، (ط: ۱، دار الصفوة، مصر)، ج ۳۵، ص ۱۲۴]

^۲ - فتح الباری شرح صحیح البخاری - ابن حجر، (دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹هـ)، ج ۵، ص ۷: «والأصح عند الشافعية إباحة اتخاذ الكلاب لحفظ الدرب...»

^۳ - المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۱۰، ص ۲۳۶: «أصحها يجوز قياسا على الثلاثة عملا بالعلة المفهومة من الأحاديث وهي الحاجة»؛ همچنین بنگرید به: [طرح التثريب فی شرح التقریب - العراقي، (دار إحياء التراث العربی، ومؤسسة التاريخ العربی، ودار الفكر العربی)، ج ۶، ص ۲۸]

^۴ - الاستذکار - ابن عبدالبر، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بیروت، ۲۰۰۰م)، ج ۸، ص ۴۹۴: «قد سئل هشام بن عروة عن اتخاذ الكلاب للدار فقال لا بأس به إذا كان موضع الدار مخوفا»؛ همچنین بنگرید به: [شرح صحیح البخاری لابن بطال، ج ۵، ص ۳۹۰]

از سگ برای محافظت خانه از ترس دزدان و دشمنان جائز است.^۱ در کل استفاده و نگهداری سگی که در آن منفعت باشد جائز است و این دیدگاه امام شافعی رحمته الله و اصحاب وی است.^۲

أ) امام ابن عبدالبر مالکی رحمته الله (م ۴۶۳ هـ) می‌گوید: «در مفهوم حدیث [ابن عمر] نزد من (ابن عبدالبر) نگهداری سگ‌ها برای جلب منافع و دفع ضرر مادامی که انسان بدان نیاز داشته باشد جائز است.»^۳

ب) امام یوسف بن عبدالهادی حنبلی رحمته الله (م ۹۰۹ هـ) در کتاب "الاغتراب فی أحكام الکلاب" می‌نویسد: «شکی نیست که پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث متعددی نگهداری از سگ شکاری را جواز دادند و همچنین خبر دادند که نگهداری کننده آن برای شکار از پاداش عملش کاسته نمی‌شود و در حدیث دیگری نگهداری از سگ گله گوسفندان را رخصت دادند و همچنین در حدیثی دیگر نگهداری از سگ مزرعه را جائز دانستند و لذا معلوم می‌شود که علت مقتضی برای جواز وجود مصلحت در نگهداری است و وجود و عدم حکم متناسب با علت آن است پس اگر مصلحتی یافت شود در این حالت اتخاذ آن جائز است هر چند برخی از مصالح مهم‌تر و بزرگ‌تر باشد از مصلحت نگهداری سگ در مزرعه و یا برخی مصلحت‌ها با چیزی که شارع مقدس بر آن نص گذاشته برابری نماید. شکی نیست که میوه درختان در معنای مزرعه، و گاو در معنای گله و مرغ و غاز – برای دفع روباه از آنها – در مفهوم گله است و بدون تردید ترس از دزدان و نگهداری سگ برای هشدار دادن و نیز هشیاری در مقابل آنها از بزرگ‌ترین

۱- رد المحتار علی الدر المختار - ابن عابدین، ج ۵، ص ۲۲۷: «لا ینبغی أن یتخذ فی داره إلا إن خاف لصوفا أو أعداء»

۲- رک: المجموع شرح المذهب - النووی، (ط: دارالفکر)، ج ۹، ص ۲۳۴.

۳- التمهید لابن عبدالبر، (ط: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية، المغرب، ۱۳۸۷ هـ)، ج ۱۴، ص ۲۱۹: «وفی معنی هذا الحدیث تدخل عندی إباحة اقتناء الکلاب للمنافع کلها ودفع المضار إذا احتاج الإنسان إلى ذلك»

مصلحت‌هاست و شارع مقدس حافظ منافع و دفع زیان است از این جهت اگر در آن مصلحت نباشد پس تباهی بدان راه میابد.^۱

پ) علامه ابو سعید الخادمی حنفی رحمته (م ۱۱۵۶ هـ) می‌گوید: «بدان که نگهداری از سگ برای نگهبانی، شکار کردن، و محافظت از مزرعه و گله و نیز حفظ اموال از دست دزدان جائز است.»^۲

ت) علامه ابن عثیمین رحمته (م ۱۴۲۱ هـ) می‌گوید: «سگی که از انسان محافظت می‌کند، نگهداری آن جائز است؛ زیرا وقتی سگی که برای حراست گله نگهداری آن جائز است، بنابراین نگهداری از آن برای انسان سزاوارتر و شایسته‌تر است، همان‌طور که نگهداری از سگ شکاری درست است در حالی که شکار امری ضروری نیست و انسان بدون آن نیز می‌تواند زندگی کند، لذا نگهداری از سگ برای امور ضروری شایسته‌تر است!»^۳

ث) دکتر حسام الدین عفانه در کتاب "فقه التاجر المسلم" می‌گوید: «نگهداری از سگ در خانه فقط در صورتی که ضرورت ایجاب کند و منفعتی داشته باشد جائز است، مانند سگ‌های شکاری و نگهبان ... گروهی از علماء خرید و فروش سگ‌هایی که در آنها منفعت باشد را جواز داده‌اند، مانند، سگ‌های نگهبان و شکاری، و در زمان ما سگ‌های ردیاب که به دنبال مجرمین و نیز کشف مواد مخدر و امثال اینها هستند نیز جائز است و این مذهب ابوحنیفه رحمته و مالک رحمته - در روایتی از او - و همچنین دیدگاه عطاء رحمته و ابراهیم نخعی رحمته است.»^۴

۱- الاغتراب فی أحكام الکلاب - ابن عبدالحادی، (ط: ۱، دارالوطن، ۱۴۱۷ هـ)، صص ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲- بریقة محمودیة - أبو سعید الخادمی، (ط: مطبعة الحلبي، ۱۳۴۸ هـ)، ج ۴، ص ۱۷۸.

۳- الشرح الممتع علی زاد المستقنع - العثیمین، (ط: ۱، دار ابن الجوزی، ۱۴۲۸ هـ)، ج ۱۰، ص ۱۴۳.

۴- فقه التاجر المسلم، (ط: ۱، المكتبة العلمية ودار الطیب، بیت المقدس، ۲۰۰۵ م)، ص ۲۰۶.

دوم اینکه: بدن سگ شکاری پاک است چراکه اگر نجس می‌بود به کار بردن آن برای شکار که هم با صاحب سگ و هم با خود شکار تماس داشته ممنوع می‌شد که آیه و حدیث مذکور نافی آن است! حافظ ابن حجر رحمته (م ۸۵۲هـ) می‌گوید: «در خصوص پاک بودن سگی که نگه‌داری‌اش جائز است بدان استدلال شده، چونکه در معاشرت این سگ‌ها با وجود اینکه اجتناب از آن موجب مشقت زیادی است اما جواز در نگه‌داری‌اش، مشمول جواز مکملات مطلوب آن نیز می‌شود همان‌طور که منع لوازم متناسب با ممنوعیت آن است و این استدلال قوی‌ای است که معارضی ندارد مگر عموم خبری که در امر به شستن چیزی که سگ در آن لیس بزند بدون جزئیات وارد شده و تخصیص عموم وقتی که دلیل آن را جائز شمرد اشکالی ندارد.»^۱

سوم اینکه: در خصوص پس‌مانده آب دهان سگ، بین علماء اختلاف است، آیا نجس است یا نه؟ (أ) امام ابن عبدالبر رحمته (م ۴۶۳هـ) می‌گوید: «فقهاء در باره‌ی پس‌مانده آب دهان سگ و لیسیدن چیزی که آب و غذا در آن باشد اختلاف کرده‌اند؛ خلاصه آنچه که مالک رحمته بدان مذهب رفته و نزد اصحابش نیز ثابت بوده این است که پس‌مانده آب دهان سگ پاک است و هفت بار شسته شدن ظرفی که سگ آن را لیسیده باشد جنبه‌ی تبعدی دارد و همچنین استحباب غیر وجوبی است.»^۲ داود ظاهری رحمته،^۳ بخاری رحمته،^۴ و ابن منذر رحمته^۵ نیز به این رأی مذکور رفته‌اند.

^۱ - فتح الباری - ابن حجر، ج ۵، ص ۷.

^۲ - التمهید - ابن عبدالبر، ج ۱۸، ص ۲۶۹: «واختلف الفقهاء أيضا في سؤر الكلب وما ولغ فيه من الماء والطعام فجمله ما ذهب إليه مالك واستقر عليه مذهبه عند أصحابه أن سؤر الكلب طاهر ويغسل الإناء من ولوغه سبعا تعبدا استحبابا أيضا لا إيجابا»

^۳ - طرح التثريب في شرح التقریب - العراقي، ج ۲، ص ۱۲۱.

^۴ - عمدة القاری شرح صحيح البخاری - بدرالدين العيني، (ط: إحياء التراث العربي، بيروت)، ج ۳، ص ۳۶.

^۵ - الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف - ابن المنذر، (ط: ۱، دار طيبة، الرياض، ۱۹۸۵م)، ج ۱، ص ۳۰۶.

ب) حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله (م ۸۵۲هـ) در "فتح الباری" می‌نویسد: «و استدلال شده به این حدیث [عدی بن حاتم] مبنی بر پاکی پس‌مانده آب سگ شکاری غیر از سگ‌های دیگر، در جواز خوردن موضعی که سگ از آن خورده است و به شستن آن اشاره‌ای نشده و اگر شستن واجب می‌بود لازم به بیان بود زیرا در چنین وقتی، نیاز به بیان است. برخی از علماء بر این باورند که با توجه به این حدیث، هرچند سگ نجس هم باشد اما موضع گاز گرفتن سگ، [شستن آن] عفو داده شده و برخی دیگر که قائل به نجاست آن هستند در جواب گفته‌اند: چون واجب بودن شستن محل گاز گرفتن سگ نزد صحابه مشهور و معلوم بوده لذا به بیان آن نیازی نبوده است. البته به این قول ایراد است و دیدگاه عفو در شستن قوی است.»^۱

پ) امام ابن تیمیه رحمته الله (م ۷۲۸هـ) می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله در نگهداری سگ شکاری، گله و نگهبان مزرعه جواز داده و لازمه‌ی آن برای کسی که از آن نگهداری می‌کند این است که مو [و بدن] مرطوب آن با انسان اصابت می‌کند همان‌گونه که ممکن است رطوبت و خیسی قاطر، الاغ و دیگر حیوانات با او برخورد داشته باشد پس [اگر] نظر به نجاست موهای [بدن] سگ باشد، حال اینکه مشقت و سختی از امت برداشته شده است. همچنین آب دهان سگ اگر به شکار اصابت کرده باشد بنابر صحیح‌ترین نظر علماء، شستن آن واجب نیست و این یکی از دیدگاه‌های امام احمد بن حنبل رحمته الله نیز است چراکه پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را به شستن آن امر نکرده و از آب دهان سگ در محل ضرورت عفو (گذشت) نموده

^۱ - فتح الباری - ابن حجر، ج ۹، ص ۶۰۳: «و استدلال به علی طهارة سور کلب الصيد دون غيره من الكلاب للإذن فی الأكل من الموضع الذی أكل منه ولم يذكر الغسل ولو كان واجبا لیبینه لأنه وقت الحاجة إلی البیان وقال بعض العلماء یعنی عن معض الكلب ولو كان نجسا لهذا الحديث وأجاب من قال بنجاسته بأن وجوب الغسل كان قد اشتهر عندهم وعلم فاستغنی عن ذكره وفيه نظر وقد يتقوى القول بالعفو...»

در صورتی که در مواقع غیر ضروری به شستن آن امر کرده است و این مدلول این است که شارع مقدس مصلحت و ضرورت مردم را مراعات نموده است.^۱

دلیل دوم: در حدیث صحیحی روایت است که ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: «كانت الكلاب تبول، وتقبل وتدبر في المسجد، في زمان رسول الله صلى الله عليه وسلم، فلم يكونوا يرشون شيئاً من ذلك»^۲ یعنی: «در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله، سگ‌ها در مسجد بول می‌کردند و رفت و آمد داشتند و چیزی از آن را آب نمی‌پاشیدند.»

وجه استدلال: با توجه به این حدیث، پاک بودن سگ و پس ماند دهانش ثابت می‌شود.^۳ برخی این حدیث را تأویل کرده‌اند که این در اوقات نادری اتفاق افتاده و در خارج از مسجد نیز بوده است لیکن جمال الدین المنبجی رحمته الله، بدرالدین العینی رحمته الله و مبارکفوری رحمته الله این تأویل را مردود دانسته‌اند.^۴ امام شوکانی رحمته الله (م ۱۲۵۰هـ) با استناد به این حدیث نظر به طهارت بدن سگ داده و فرموده: «كسائي که با استدلال به این حدیث "هرگاه سگ ظرفی از شما را لیسید" قائل به نجس بودن سگ هستند، در حالی که این حکم تنها اختصاص به لیسیدن دارد و دلیلی بر نجاست تمام ذات اعم از گوشت، استخوان، خون، مو و رطوبت سگ نیست و ربط دادن این موارد با قیاس به حکم لیسیدن بسیار بعید است بویژه با وجود حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که بخاری رحمته الله و ابوداود رحمته الله روایت کرده‌اند که موجب تقویت این می‌شود

^۱ - مجموع الفتاوی - ابن تیمیة، ج ۲۱، صص ۶۱۹ - ۶۲۰.

^۲ - صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۵ ح ۱۷۴؛ سنن أبی داود، (ط: المكتبة العصرية، صیدا، بیروت)، ج ۱، ص ۱۰۴ ح ۳۸۲.

^۳ - شرح صحیح البخاری لابن بطل، ج ۱، ص ۲۶۶؛ عمدة القاری شرح صحیح البخاری - بدرالدین العینی، ج ۳، ص ۴۳.

^۴ - ر.ک: الباب فی الجمع بین السنة والکتاب - المنبجی، (ط: ۲، دار القلم، الدار الشامیة / دمشق، بیروت ۱۹۹۴م)، ج ۱، ص ۷۹؛ البناية شرح الهدایة - بدرالدین العینی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۰م)، ج ۱، ص ۷۲۱؛ مرعاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح - المبارکفوری، (ط: ۳، الجامعة السلفية، بنارس الهند، ۱۹۸۴م)، ج ۲، ص ۲۱۰.

که به مفاد [ظاهری بدون قیاس گرفتن] حدیث "ولوغ" (لیسیدن) پسند گردد و این به سبب حکمت شارع است و ما این حکمت را نمی‌دانیم و لذا بر ما واجب است به چیزی که نصوص بر آن دلالت دارند عمل کنیم هرچند حکمتی که برای آن وارد شده را ندانیم.^۱

دلیل سوم: بنابر قاعده‌ی اصولی که مورد توافق فقهاء^۲ است: «اصل در ذات (عین) اشیاء، پاکی است و جائز نیست چیزی را تنجیس نمود مگر با دلیل.»^۳ بنابراین تا زمانی که دلیلی معتبر از قرآن یا سنت برای نجس بودن سگ وجود نداشته باشد، نمی‌توان با رأی اجتهادی قائل به نجس بودن آن شد و در صورت وجود اختلاف پیرامون حکم نیز، لازم است به اصل این قاعده مراجعه نمود که همان طهارت و پاکی است!

امام ابن تیمیه رحمته الله (م ۷۲۸ هـ) می‌گوید: «اگر موی مرطوب سگ با لباس انسان برخورد داشته باشد موجب نجس شدن لباس نمی‌شود و این دیدگاه جمهور فقهاء از مذهب ابوحنیفه رحمته الله، مالک رحمته الله و روایتی از احمد بن حنبل رحمته الله است، زیرا اصل در ذات اشیاء، پاکیزگی و لذا تنجیس و تحریم چیزی از آن بدون دلیل جائز نیست همان‌طور که خدای تعالی فرموده: ﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾ [انعام: ۱۱۹]، یعنی: «جز آنچه بدان ناچار شده‌اید برای شما به تفصیل بیان نموده است.» و همچنین فرموده: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ﴾ [توبه: ۱۱۹]، یعنی: «و خداوند هرگز قومی را پس از هدایت آن‌ها گمراه نمی‌دارد تا آنکه به آن‌ها توضیح ندهد که چه چیز را می‌بایست بپرهیزند.»

^۱ - رک: السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار - الشوکانی، (ط: ۱، دار ابن حزم)، ص ۲۶.

^۲ - مجموع الفتاوی - ابن تیمیه، ج ۲۱، ص ۵۴۲؛ همچنین بنگرید به: [الدراری المضیة شرح الدرر البهیة - الشوکانی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۷ م)، ج ۱، ص ۳۳؛ رسالة لطیفة جامعة فی أصول الفقه المهمة - عبدالرحمن السعدی، (ط: ۱، دار ابن حزم، بیروت، ۱۹۹۷ م)، ج ۱، ص ۱۰۱؛ مجموعة الفوائد البهیة علی منظومة القواعد الفقهیة - القحطانی، (ط: ۱، دار الصمیعی، المملكة العربیة السعودیة، ۲۰۰۰ م)، ص ۶۷؛ القواعد الفقهیة وتطبیقاتها فی المذاهب الأربعة -

الزحیلی، (ط: ۱، دار الفکر، دمشق، ۲۰۰۶ م)، ج ۱، ص ۱۱۲]

^۳ - مجموع الفتاوی - ابن تیمیه، ج ۲۱، ص ۶۱۵: «الأصل فی الأعیان الطهارة فلا يجوز التنجیس إلا بدلیل»

[۱۱۵]، یعنی: «و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی‌راه بگذارد، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد.» پیامبر ﷺ فرمودند: «طهور إناء أحدکم إذا ولغ فيه الكلب أن يغسله سبعة أولاهن بالتراب»، یعنی: «شیوهی پاک کردن ظرف یکی از شما، زمانی که سگ در آن لیسید، چنین است که باید هفت بار آن را بشوید، بار اول با خاک.» و در حدیثی دیگر: «إذا ولغ الكلب»، یعنی: «زمانی که سگ زبان بزند (بلیسد)» و جملگی احادیث در این مورد تنها لیسیدن را متذکر شده‌اند و سایر اجزای سگ را بیان ننموده بنابراین نجس بودن آن اجزاء فقط با قیاس بوده است!^۱

مذاهب اربعه ﷺ و حکم نجاست سگ

نزد مذاهب اربعه ﷺ (حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنابله) در خصوص نجس بودن سگ به لحاظ حکم فقهی آن اختلاف است.

امام ابن تیمیه رحمته (م ۷۲۸هـ) می‌گوید: «علماء در مورد حکم [نجاست یا طهارت] سگ بر سه دیدگاه اختلاف کرده‌اند. اول: سگ پاک است، حتی بزاق دهانش، و این مذهب مالک بن انس رحمته است. دوم: سگ نجس است حتی موی بدنش و این مذهب شافعی رحمته و قولی از احمد بن حنبل رحمته است. سوم: موی بدن سگ پاک بوده لیکن بزاق دهانش نجس است و این مذهب ابوحنیفه رحمته و قولی دیگر از احمد بن حنبل رحمته است. و این صحیح‌ترین اقوال است؛ بنابراین اگر رطوبت موی سگ به لباس یا بدن برخورد داشته باشد موجب نجاست نمی‌شود و اگر به آب لیس بزند، دور ریخته می‌شود.»^۲

^۱ - مجموع الفتاوی - ابن تیمیه، ج ۲۱، ص ۶۱۷.

^۲ - مجموع الفتاوی - ابن تیمیه، ج ۲۱، ص ۵۳۰: «وأما الكلب فقد تنازع العلماء فيه على ثلاثة أقوال: أحدها: أنه طاهر حتى ريقه وهذا هو مذهب مالک. والثاني: نجس حتى شعره وهذا هو مذهب الشافعي وإحدى الروایتين عن

- در مذهب امام ابوحنیفه رحمته، بدن سگ نجس نیست^۱ لیکن پس مانده دهان آن نجس است.^۲
 - در مذهب امام مالک رحمته، بدن و پس مانده آب دهان سگ پاک است.^۳
 - در مذهب امام شافعی رحمته، همه چیز سگ نجس است.^۴
 - در مذهب امام احمد بن حنبل رحمته، دو دیدگاه وجود دارد: اول: همه چیز سگ نجس است.^۵
- دوم اینکه: موی^۶ سگ پاک است لیکن پس مانده آب دهان آن نجس است. البته دیدگاه دوم نزد امام ابن تیمیه رحمته، صحیح تر است.^۷

أحمد. والثالث: شعره طاهر وریقه نجس وهذا هو مذهب أبي حنيفة وأحمد في إحدى الروايتين عنه وهذا أصح الأقوال. فإذا أصاب الثوب أو البدن رطوبة شعره لم ينجس بذلك وإذا ولغ في الماء أريق الماء.»

- ۱- ر.ک: رد المحتار علی الدر المختار - ابن عابدین، ج ۱، ص ۲۰۴: «الکلب فبناء علی أنه لیس بنجس العین»
- ۲- ر.ک: المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی - برهان الدین بن مازة، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۴م)، ج ۱، ص ۱۲۸؛ البناية شرح الهدایة - بدرالدین العینی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر - داماد أفندی، (ط: دار إحياء التراث العربی)، ج ۱، ص ۳۵.
- ۳- ن.ک: بداية المجتهد ونهاية المقتصد - ابن رشد، (ط: دار الحديث - القاهرة، ۲۰۰۴م)، ج ۱، ص ۳۶؛ حاشية الصاوی علی الشرح الصغير - أبو العباس الصاوی، (ط: دارالمعارف)، ج ۱، ص ۸۵.
- ۴- المذهب فی فقه الإمام الشافعی - أبو اسحاق الشیرازی، (ط: دار الکتب العلمیة)، ج ۱، ص ۹۳؛ المجموع شرح المذهب - النووی، ج ۲، ص ۵۶۷.
- ۵- المغنی لابن قدامة، ج ۱، ص ۳۵؛ الشرح الكبير علی متن المقنع - عبدالرحمن المقدسی، (ط: دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع)، ج ۱، ص ۲۸۴.
- ۶- در نجاست یا پاکی موی سگ میان فقهاء اختلاف است؛ حنفیه و مالکیه و بنابر روایتی از امام احمد، حکم به پاکی داده شده است و همچنین بنابر دیدگاه شافعیه و حنبله، موی سگ نجس است. [ر.ک: الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۵، ص ۱۲۹]

- ۷- الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف - المرداوی، (ط: ۲، دار إحياء التراث العربی)، ج ۱، ص ۳۱۰؛ حاشية الروض المربع شرح زاد المستقنع - ابن القاسم، (ط: ۱، بی جا، ۱۳۹۷هـ)، ج ۱، ص ۳۴۱.

شستن محل لیسیدن سگ‌ها و رعایت بهداشت

شستن پس مانده آب دهان یا محل لیسیدن سگ‌ها در احادیث صحیح بدان امر شده و جمهور فقهاء به واجب بودن آن تصریح نموده‌اند و این تغسیل با اصول بهداشتی نه تنها مغایرتی ندارد بلکه کاملاً در راستای رعایت بهداشت و پیشگیری از بیماری‌های انتقالی از سگ‌ها به انسان‌ها است، بنابراین در نگه‌داری از سگ‌هایی که جواز داده شده لازم است به این نکته مهم توجه داشت که سگ‌ها را در محل غذاخوری یا مانند برخی از غربی‌ها با آنها هم‌خوابی می‌کنند نباید نگه‌داری کرد، کارهای چینی نه تنها به منزله‌ی رعایت حقوق سگ‌ها نیست بلکه خود را در معرض بیماری قرار دادن است و این نقض اصول بهداشتی است! بویژه اینکه در غرب استفاده از سگ در واقع بعنوان یک عضو خانواده تلقی شده و گاهی هم‌بازی کودکان بوده و کاملاً در معرض خطر بیماری قرار دارند و لذا با تماس انسان با بزاق سگ‌ها این خطر بیشتر ایجاد می‌شود.

بزاق سگ‌ها دارای انواعی از باکتری‌هاست و لازم است از تماس مستقیم نواحی حساس بدن همچون بینی، دهان و چشم خود با بزاق دهان سگ اجتناب نمود چون جذب این باکتری‌ها از این راه‌ها بیشتر است به نسبت تماس بزاق با پوست دست‌ها.

به گزارش نیویورک تایمز؛ آقای دکتر لنی کاپلان (Leni K. Kaplan) مدرس دانشکده‌ی دامپزشکی دانشگاه کورنل می‌گوید: باکتری‌های موجود در بزاق دهان سگ‌ها قابل انتقال به انسان بوده و موجب بیماری‌های گوارشی می‌شوند.^۱

در بخشی از مقاله‌ای که در سایت مرکز ملی اطلاعات زیست‌فناوری آمریکا منتشر شده: سگ‌ها بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انتقالی بیماری‌های زئونوزی هستند که صاحبان سگ‌ها باید از تماس مستقیم

1. <https://www.nytimes.com/2016/10/22/us/should-you-let-your-dog-lick-your-face.html>

با آنها و نیز ادرار و مدفوعشان دوری کنند چراکه اکثر عفونت‌های ویروسی از طریق سگ به انسان منتقل می‌شوند.^۱

سگ‌های ولگرد و وحشی

برخی از طرفداران حقوق حیوانات شاید بر این باور باشند که نیازی به مقابله با سگ‌های ولگرد و وحشی نیست چراکه این موجودات دوست‌داشتنی، آرام و با وفا هستند برای صاحبانشان، اگر این سخن را هرچند بطور مطلق نمی‌توان پذیرفت اما بصورت نسبی مقبول است لیکن نباید فراموش کرد که سالانه هزاران سگ در جهان خصوصاً در اروپا رها می‌شوند و همین امر برای برخی از کشورهای اروپایی یک بحران جدی تلقی شده^۲ و از طرفی هم تسامح بیش از حد در برخورد با این سگ‌های ولگرد خود معضلی دیگر است بطوری که آمار گازگرفتن که منجر به کشته و مجروح شدن انسان‌ها - که قربانیان غالباً کودکان و نوجوانان هستند - توسط همین سگ‌های ولگرد و وحشی، تعجب همگان را برانگیخته و شاید برای خیلی‌ها که تصویری نیکو از سگ‌ها دارند، این مطلب باور نکردنی باشد! در سایت "dogsbite" آمار تلفات ناشی از گازگرفتن انسان‌ها اعم از کودکان، نوجوانان، بزرگسالان و از مرد و زن، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ میلادی، مستنداً بیان شده است.^۳ آماری که فقط در سال ۲۰۱۶، در انگلیس منتشر شده در مدت ده سال حدود ۷۶ درصد افزایش داشته است.^۴

1. [Review of bacterial and viral zoonotic infections transmitted by dogs](#)

۲- بی بی سی انگلیسی در گزارشی با عنوان "[بحران یونان در مواجهه با یک میلیون سگ ولگرد](#)".

3. <https://www.dogsbite.org/dog-bite-statistics-fatality-citations.php>

4. [Dog attacks surge 76% in England in 10 years.](#)

دو نمونه عینی از خطر سگ‌های وحشی:

- «پلیس در ایالت ویرجینیای آمریکا جزییات مرگ دلخراش زنی را منتشر کرده که مقام‌ها می‌گویند در حمله دو سگش هنگام پیاده روی کشته شده است... پلیس می‌گوید این سگ‌ها از نوع "پیت بول" در حال خوردن بقایای صاحب خود بودند.»^۱
- «بنابر گزارش پلیس جمهوری چک، یک زن ۶۰ ساله توسط سگ‌هایی که در منزلش نگه‌داری می‌کرد دریده شده و بر اثر جراحات ناشی از حمله سگ‌ها کشته شده است... پلیس جسد خونین این زن را در حالی که هفت سگ بالغ و ۱۷ توله سگ هم در محوطه منزل زن پرسه می‌زدند پیدا کرد.»^۲

انتقال بیماری هاری از سگ‌ها

بیماری هاری که غالباً عامل انتقال آن از طریق سگ‌ها به انسان بوده نیز در زمره‌ی عوامل مرگ و میرهای وحشتناک انسانی تلقی شده است. گزارشی که "اتحاد جهانی علیه هاری" منتشر کرده نشان می‌دهد سالانه حدود ۵۹ هزار نفر در جهان با ابتلا به این بیماری عفونی در اثر گازگرفتگی سگ جان خود را از دست می‌دهند.^۳ به گزارش بی بی سی فارسی، در ۹۹ درصد موارد، سگ‌های خانگی عامل مرگ و میر انسانی هستند.^۴ سالانه بیش از ۲۰ هزار هندی بر اثر بیماری هاری جان خود را از دست

^۱- بی بی سی فارسی، در گزارشی با عنوان "دختری در ویرجینیا در حمله سگ‌هایش کشته شد"

^۲- بی بی سی فارسی، در گزارشی با عنوان "سگ‌های گرسنه صاحب خانه خود را کشتند"

^۳- بی بی سی فارسی، با گزارشی با عنوان "هاری 'سالانه ده‌ها هزار قربانی می‌گیرد'"

^۴- منبع قبل.

می‌دهند. ۳۵ درصد مرگ و میرها در هند ناشی از همین بیماریست.^۱ عامل آن نیز سگ‌های ولگرد، گزارش شده است.^۲

کشتن سگ‌ها

اکنون جا دارد به این شبهه پاسخ داد که مطرح شده پیامبر اکرم ﷺ به کشتن سگ‌ها فرمان داده و لذا این جنایتی در حق سگ‌هاست که اسلام بدان مرتکب شده است! اما اصل ماجرا چه بوده؟ آیا این فرمان دائمی بوده؟ آیا شامل تمام سگ‌ها می‌شده و برای آن استثنائی وارد شده؟ آیا اصولاً برای سگ‌ها در اسلام حقوقی است بعنوان مخلوق خداوند؟ برای جواب‌دهی به این سؤالات لازم است به احادیث و اقوال علمای اسلامی که در این موضوع وارد شده‌اند مراجعه شود.

■ در صحیح بخاری با اسناد، از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که فرمود: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بقتل الكلاب»^۳ یعنی: «رسول الله ﷺ به کشتن سگ‌ها امر نموده‌اند.» همین حدیث را امام مسلم رحمه الله ذکر نموده در صحیح خود در باب «الأمر بقتل الكلاب، وبيان نسخه، وبيان تحريم اقتنائها إلا لصيد، أو زرع، أو ماشية ونحو ذلك»^۴ یعنی: «امر به کشتن سگ‌ها و بیان نسخ آن، و بیان تحریم نگهداری از سگ‌ها مگر برای شکار یا کشاورزی یا گله و مانند آن» و احادیثی در امر به قتل و سپس نسخ حکم آن آورده که از خود عبدالله بن عمر رضی الله عنه این حدیث را نقل کرده است: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بقتل الكلاب، إلا كلب

1. <https://www.bbc.com/news/world-asia-india-36035456>

2. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1169392>

۳- صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۳۰ ح ۳۳۲۳.

۴- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۰۰.

صید، أو كلب غنم، أو ماشية»^۱ یعنی: «رسول الله ﷺ به کشتن سگ‌ها امر نمودند مگر سگ شکاری یا گله یا نگهبان.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این حدیث، حکم اولیه استثناء شده و لذا امر به کشتن در تمام سگ‌ها عمومیت نداشته^۲ و در احادیث دیگر، نسخ صریح حکم بیان شده است.

▪ جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌گوید: «أمرنا رسول الله صلى الله عليه وسلم بقتل الكلاب، حتى إن المرأة تقدم من البادية بكلبها فنقتله، ثم نهى النبي صلى الله عليه وسلم عن قتلها، وقال: عليكم بالأسود البهيم ذي النقطتين، فإنه شيطان»^۳ یعنی: «رسول الله ﷺ ما را به کشتن سگ‌ها فرمان دادند تا اینکه اگر زنی با سگش از بیابان می‌آمد، سگش را می‌کشتیم. سپس پیامبر ﷺ از کشتن سگ‌ها نهی نمود و فرمودند: بر شماست کشتن سگ‌های یک‌رنگ سیاه که دارای دو نقطه سفیدی است چونکه آن شیطان است!»

▪ عبدالله بن مُغَفَّل رضی الله عنه می‌گوید: «أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم بقتل الكلاب، ثم قال: ما بالهم وبال الكلاب؟، ثم رخص في كلب الصيد، و كلب الغنم»^۴ یعنی: «رسول الله ﷺ به کشتن سگ‌ها امر نمودند سپس فرمودند: آنها را با سگ‌ها چه کار دارند؟ سپس در [نگهداری] سگ شکاری و گله رخصت دادند.»

۱- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۰۰ ح ۱۵۷۱.

۲- التمهيد - ابن عبد البر، ج ۱۴، ص ۲۲۷: «... الحديث في ذلك ليس على عمومه»

۳- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۰۰ ح ۱۵۷۲.

۴- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۰۰ ح ۱۵۷۳.

■ در حدیث صحیح دیگر، از پیامبر اکرم ﷺ روایت است که فرمودند: «لَوْلَا أَنْ الْكَلَابَ أُمَّةٌ مِنَ الْأُمَمِ لَأَمَرْتُ بِقَتْلِهَا كُلِّهَا، فَاقْتُلُوا مِنْهَا كُلَّ أَسْوَدَ بَهِيمٍ»^۱ یعنی: «اگر سگ‌ها یکی از امت‌ها نمی‌بودند، به کشتن آنها دستور می‌دادم، پس سگ‌های تمام سیاه را بکشید.»

وجه استدلال: احادیث در خصوص سگ‌ها دو دسته‌اند، دسته اول: امر به کشتن و دسته دوم: نهی از کشتن؛ امر در ابتدا مختص مدینه بوده^۲ و لذا عمومیت نداشته سپس حکم امر، منسوخ شده^۳ و از کشتن عموم سگ‌ها نهی شده است.

■ امام ابن قتیبه رحمه الله (م ۲۷۶هـ) می‌گوید: «اگر پیامبر ﷺ به کشتن سگ‌ها در همه حال امر فرموده بودن این موجب نابودی و خشکاندن آثارشان میشد در حالی که سگ‌ها برای انسان‌ها مفید هستند و در حراست منازل و نگهبانی از گله‌ها و مزارعشان و همچنین اتکا بر شکارشان مورد استفاده قرار می‌گیرند و بسیاری از مردمان عرب صحراء نشینان تغذیه و کارشان به این سگ‌ها وابسته است و خداوند متعال فرموده: ﴿فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ﴾ [مائده: ۴]، یعنی: «پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید.» و این دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال این سگ‌ها را برای منفعت ما انسان‌ها خلق نموده است.»^۴

^۱ - سنن أبی داود، ج ۳، ص ۱۰۸ ح ۲۸۴۵؛ سنن الترمذی، (ط: ۲)، مصطفى البابی الحلبي، مصر، ۱۹۷۵م)، ج ۴، ص ۷۸ ح ۱۴۸۶.

^۲ - ر.ک: شرح السنة للبعوی، (ط: ۲)، المكتب الإسلامي، دمشق، بیروت، ۱۹۸۳م)، ج ۱۱، ص ۲۱۲؛ مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح - الملا القاری، (ط: ۱)، دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۲م)، ج ۷، ص ۲۲۶۱.

^۳ - ر.ک: الاعتبار فی الناسخ والمنسوخ من الآثار - الحازمی، (ط: ۲)، دائرة المعارف العثمانية، حیدر آباد، الدکن، ۱۳۵۹هـ)، صص ۲۳۴ - ۲۳۶: «باب الأمر بقتل الكلاب ثم نسخه»

^۴ - تأویل مختلف الحديث - ابن قتیبة الدینوری، (ط: ۲)، المكتب الاسلامی، مؤسسة الإشراف، ۱۹۹۹م)، ص ۲۰۷.

■ امام خطابی رحمته الله (م ۳۸۸ هـ) می‌گوید: «از بین بردن امتی از امت‌ها و معدوم کردن نسلی از مخلوقات بطوری که از آنها چیزی باقی نماند ناپسند است چونکه هیچ مخلوق خداوند نیست مگر اینکه بنوعی حکمت و مصلحتی در آنها وجود دارد، مادام که این چنین است پس کشتن عموم سگ‌ها راهی ندارد لیکن شرورترین سگ‌ها که یک‌رنگ سیاه هستند را بکشید و سائر سگ‌ها را باقی بگذارید تا بوسیله‌ی آنها در حراست و نگهبانی بهره ببرید و گفته می‌شود که سگ سیاه منظور در شرارت و گزنده بودنش است.»^۱

■ امام ابن عبدالبر رحمته الله (م ۴۶۳ هـ) می‌گوید: «گروهی از علماء فرموده‌اند که دستور به کشتن سگ‌ها منسوخ شده بجز سگ سیاه که کشتنش جائز است... و بسیاری از علماء نیز به این رأی رفته‌اند که کشتن هر نوع سگی چه سیاه و غیر سیاه جائز نیست مگر سگ گزنده و مودی، علماء در توجیه آن فرموده‌اند که دستور به کشتن سگ‌ها نسخ شده و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: "چیزی که روح دارد و زنده است بیهوده نشانه قرار ندهید." و در این نهی، سگ‌ها و دیگر جانداران داخل هستند.»^۲

■ امام ابو المعالی الجوینی رحمته الله (م ۴۷۸ هـ) می‌گوید: «اگر گفته شد نظر شما در مورد قتل سگ‌ها چیست؟ این چنین جواب می‌دهیم: کشتن سگی که دارای نفع باشد و آزاری هم به کسی نرساند جائز نیست و اما سگ گزنده که باعث آزار رساندن است، پس کشتنش جائز است به خاطر دفع ضرر آن، و رسول الله صلی الله علیه و آله به کشتن سگ گزنده حکم داده و آن را از حیوانات مودی شمرده

۱- معالم السنن - الخطابی، (ط: ۱، المطبعة العلمية، حلب، ۱۹۳۲ م)، ج ۴، ص ۲۸۹.

۲- الاستذکار - ابن عبدالبر، ج ۸، صص ۴۹۶ - ۴۹۷: «وقال جماعة من أهل العلم الأمر بقتل الكلاب منسوخ إلا في الأسود البهيم فإنه يقتل... وذهب كثير من العلماء إلى أن لا يقتل من الكلاب أسود ولا غير أسود إلا أن يكون عقورا مؤذيا وقالوا الأمر بقتل الكلاب منسوخ يقول صلى الله عليه وسلم لا تتخذوا شيئا فيه الروح غرضا فدخل في نهيه ذلك الكلاب وغيرها»

که قتل آن، چه در احرام و چه غیر آن موردی ندارد و نیز هر سگ گزنده‌ای که برای دفع ضرر به کشتن آن نیاز پیدا شد. و آنچه که منظور ماست مربوط به سگی است که از روی طبیعت خود زیان می‌رساند اما سگ‌ها در کشتنش نباید درنگ کرد چون شر و زیان آن بسیار بزرگ است. البته سگی که نفعی ندارد و در عین حال ضرری هم نمی‌رساند، کشتنش جائز نیست و در حدیثی صحیح از رسول الله ﷺ آمده که یکبار دستور به کشتن سگ‌ها داد، سپس در حدیث صحیح دیگری آمده که آنحضرت ﷺ از کشتن آن سگ‌ها نهی کرد و این دو حدیث با توجه به تفصیلی که آوردیم (امر ایشان در مورد سگان گزنده و نهی ایشان در مورد سگان بی‌آزار) باقیست و همچنین به کشتن سگی که یکدست سیاه باشد دستور داده و این حکم اول ایشان بود و الآن منسوخ است.^۱

- امام ابن الجوزی رحمه الله (م ۵۹۷هـ) می‌گوید: «دستور پیامبر ﷺ به کشتن سگ‌ها برای مدتی باقی بوده سپس از آن نهی کرد.»^۲
- امام نووی رحمه الله (م ۶۷۶هـ) می‌گوید: «حکم به کشتن سگ‌ها؛ اصحاب ما (مذهب شافعیه) فرمودند: اگر سگی گزنده بود، کشتن آن جائز است و اگر گزنده نبود در این حالت جائز نیست کشته شود و فرقی نمی‌کند در آن منفعتی باشد یا نباشد. امام ابوالمعالی الجوینی - ملقب به - امام الحرمین رحمه الله فرموده: امر به کشتن سگ‌ها منسوخ است.»^۳

۱- نهاية المطلب فی درایة المذهب - الجوینی، (ط: ۱، دار المنهاج، ۲۰۰۷م)، ج ۵، ص ۴۹۴.

۲- كشف المشكل من حدیث الصحیحین - ابن الجوزی، (ط: دار الوطن، الرياض)، ج ۱، ص ۴۹۳: «أما أمره بقتل

الكلاب فقد بقى هذا مدة ثم نهى عن ذلك»

۳- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۳، ص ۱۸۶.

- امام ابن عبدالهادی رحمته الله (م ۹۰۹هـ) می‌گوید: «نتیجه امر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله [در ابتدا] به کشتن سگ‌ها فرمان داده سپس کشتن آنها را ترک نموده و این نهایت کار بوده و لذا معلوم می‌شود که حکم کشتن سگ‌ها منسوخ شده است.»^۱

کشتن سگ‌ها که در آن منفعت باشد حرام است!

به اتفاق علماء، هر سگی که در آنها نفع و فایده‌ای باشد، مانند سگ شکاری یا تربیت شده یا نگهبان و امثال اینها، کشتن آن جایز نیست و بلکه اگر کسی آن را بکشد بنابر دیدگاه مذهب حنفیه^۲ و مالکیه^۳ لازم است غرامت آن پرداخت شود.^۴

- امام زین الدین بن نجیم حنفی رحمته الله (م ۹۷۰هـ) می‌گوید: «هر موجودی که آزاری نرساند، کشتنش جائز نیست، پس سگ اهلی مادام که موزی نباشد کشتن آن جائز نیست چونکه حکم به کشتن سگ‌ها نسخ شده پس مقید شدن کشتن به موجب موزیگری است.»^۵
- امام ابن رشد مالکی رحمته الله (م ۵۲۰هـ) می‌گوید: «اختلافی نیست در اینکه کشتن سگ گله و شکارچی و مزرعه جائز نیست.»^۶

۱- الاغتراب فی أحكام الکلاب - ابن عبدالهادی، ص ۱۱۳.

۲- عمدة القاری شرح صحیح البخاری - بدرالدین العینی، (ط: دار إحياء التراث العربی، بیروت)، ج ۱۲، ص ۵۹.

۳- الاستذکار - ابن عبدالبر، ج ۶، ص ۴۳۰.

۴- ربک: الحاوی الکبیر - الماوردی، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۹م)، ج ۵، ص ۳۷۵؛ المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۱۰، ص ۲۳۳؛ فقه السنة - سید سابق، (ط: ۳، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۷م)، ج ۳، ص ۵۶.

۵- البحر الرائق شرح کنز الدقائق - ابن نجیم، (ط: ۲، دار الکتب الإسلامی، بی‌تا)، ج ۳، ص ۳۶؛ همچنین بنگرید به:

[رد المحتار علی الدر المختار - ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۷۰]

۶- البیان و التحصیل - ابن رشد، (ط: ۲، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۸۸م)، ج ۹، ص ۳۵۴.

- امام زین الدین العراقي شافعی رحمته الله (م ۸۰۶هـ) می گوید: «هر سگی که نگه‌داری از آن برای منفعتش جائز شده باشد، [علماء] بر منع کشتن آن اجماع کرده‌اند.»^۱
- امام ابن قدامه حنبلی رحمته الله (م ۶۲۰هـ) می گوید: «کشتن سگ تربیت شده، حرام است و عامل آن بدکار و ستمگر است، زیرا محلی که این سگ‌ها در آن نگه‌داری‌اش جائز است دارای منفعت هستند. و تباه کردنش حرام شده است مانند گوسفند؛ در این اختلافی [از علماء] ندیدم. لیکن بر قاتل آن غرامتی نیست، شافعی رحمته الله بدان قائل است و مالک بن انس رحمته الله و عطاء رحمته الله نیز فرمودند: بر قاتل، پرداخت غرامت واجب است.»^۲

سگ سیاه؛ شیطان است!

در برخی از احادیث وارد است که کشتن سگ سیاه جائز است، زیرا این نوع سگ‌ها شیطان بوده و از این رو برای دفع شرشان جائز است آنها را کشت، لیکن باز این نزد فقهاء عمومیت نداشته و بلکه در این خصوص بطور کلی میان فقهاء دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: تمام احادیث مربوط به کشتن سگ‌ها منسوخ شده و فقط کشتن سگ گزنده و هار جائز است و لذا اگر سگی هرچند سیاه باشد و ضرری نداشته باشد کشتنش جائز نیست و این دیدگاه جمهور فقهای حنفیه، مالکیه و شافعیه است. بنابر همین دیدگاه، شکار توسط سگ‌های سیاه حلال است و منظور از حدیث: «سگ سیاه، شیطان است.»^۳ این نیست که از جنس سگ خارج شوند از این رو اگر سگ سیاه ظرفی یا چیزی دیگر را لیس بزند شستن آن واجب است همان‌طور که شستن محل لیسیدن سگ سفید واجب است؛ شافعی رحمته الله و مالک رحمته الله و جمهور علماء بدان معتقد هستند بر خلاف دیدگاه

۱- طرح التثريب فی شرح التقریب، ج ۶، ص ۳۲.

۲- المغنی لابن قدامة، ج ۴، ص ۱۶۰.

۳- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۶۵ ح ۵۱۰: «الکلب الأسود شیطان»

احمد بن حنبل رحمته الله و برخی از شافعیه که شکار سگ سیاه را حلال نمی‌دانند چون آنها سگ سیاه را شیطان می‌دانند.^۱

أ) مذهب حنفیه

امام سرخسی رحمته الله (م ۴۸۳ هـ) می‌گوید: «سگ کُردی و سگ سیاه در استفاده برای شکار [جائز است] هرگاه تربیت شده باشند همانند دیگر سگ‌ها به سبب این فرموده‌ی خداوند متعال: ﴿تَعَلَّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾ [مائده: ۴]، یعنی: «از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده‌اید.» اینجا ذکر نموده چون برخی از مردم می‌گفتند که شکار توسط این سگ‌ها جائز نیست!^۲

ب) مذهب مالکیه

امام ابن رشد رحمته الله (م ۵۲۰ هـ) می‌گوید: «بسیاری از علماء بدین نظر هستند که سگ سیاه یا غیر آن کشتنش جائز نیست مگر سگی که گزنده و موزی باشد و فرموده‌اند که امر به کشتن سگ‌ها منسوخ است.»^۳

^۱ - ر.ک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۱۰، ص ۲۳۷؛ امام بدرالدین العینی رحمته الله می‌گوید: «و عند أبي حنيفة ومالك والشافعي: يحل»، یعنی: «نزد ابوحنیفه رحمته الله، مالک رحمته الله و شافعی رحمته الله شکار توسط سگ سیاه جائز است.» [ر.ک: عمدة القاری، ج ۱۵، ص ۲۰۲]

^۲ - المبسوط - السرخسی، (دار المعرفة، بیروت، ۱۹۹۳ م)، ج ۱۱، ص ۲۴۲؛ امام طحطاوی رحمته الله (م ۱۲۳۱ هـ) می‌گوید: «وقالوا: لا يحل قتل الكلب الأهلي إذا لم يؤذ والأمر بقتل الكلاب منسوخ»، یعنی: «[علمای حنفیه] گفته‌اند: کشتن سگ اهلی اگر موزی نباشد جائز نیست و امر به کشتن عموم سگ‌ها منسوخ شده است.» [ر.ک: حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح شرح نور الإیضاح، (ط: ۱)، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۷ م)، ص ۷۴۴؛ همچنین بنگرید به: رد المحتار علی الدر المختار - ابن عابدین، ج ۲، ص ۵۷۰.

^۳ - البیان والتحصیل - ابن رشد، (ط: ۲، دار الغرب الإسلامی، بیروت، ۱۹۸۸ م)، ج ۹، صص ۳۵۴ - ۳۵۵؛ همچنین بنگرید به: [مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل - الحطاب الرعینی، (ط: ۳، دار الفکر، ۱۹۹۲ م)، ج ۳، ص ۲۳۷]

پ) مذهب شافعیه

امام نووی رحمته الله علیه (م ۶۷۶هـ) می گوید: «اصحاب ما (شافعیه) فرموده اند: سگ گزنده و هار کشته می شوند به دلیل این حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه و آله که فرمودند: "پنج حیوان مودی چه در احرام و غیر احرام کشتن شان جائز است از جمله سگ گزنده" اصحاب ما فرموده اند: اگر سگی گزنده و هار نباشد پس جائز نیست آن را کشت؛ فرقی نمی کند که در آن سگ نفعی باشد یا نه و همچنین فرقی نمی کند سگ سیاه باشد یا نه، در همه این موارد بین اصحاب ما اختلافی نیست و از علمائی که بدان تصریح نموده اند، قاضی حسین رحمته الله علیه و امام الحرمین رحمته الله علیه هستند. امام الحرمین رحمته الله علیه فرموده: امر به کشتن سگ سیاه و غیر آن همگی منسوخ شده لذا امروزه کشتن سگ ها چه سیاه و چه غیر سیاه جائز نیست مگر سگ هار و گزنده.»^۱

دیدگاه دوم: کشتن سگ ها بطور عموم منسوخ شده بجز سگ گزنده و سیاه که این دو نوع سگ کشتن شان جائز است و حنا بله بر این دیدگاه هستند. در اینجا نظر به «جواز» کشتن سگ سیاه است نه «وجوب» آن، لذا امام ابن مفلح رحمته الله علیه (م ۷۶۳هـ) می گوید: «کسی را نیافتم که به "وجوب" کشتن آن تصریح نموده باشد.»^۲ امام ابن قدامه رحمته الله علیه (م ۶۲۰هـ) می گوید: «کشتن آنچه (حیوانی) که نگه داری اش جائز نیست؛ اگر سگ سیاه باشد، کشتنش جائز بوده چون این سگ، شیطان است و همچنین کشتن سگ گزنده جائز است. بنابراین هر دو نوع این سگ ها کشته می شوند هر چند تربیت شده باشند و بنابر

^۱ - المجموع شرح المذهب - النووی، ج ۹، ص ۲۳۵.

^۲ - الفروع لابن مفلح، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۳م)، ج ۱۰، ص ۴۱۶: «ولم أجد أحدا صرح بوجوب قتله»؛ همچنین

بنگرید به: [الإنصاف - المرداوی، ج ۱۰، ص ۴۲۹]

قیاس بر سگ گزنده، هر حیوانی که ضرر به جان و مال مردم برساند پس کشتن آن جائز است، زیرا مودی هستند و نفعی ندارند و اگر ضرری نداشته باشند در این صورت کشتن آن جائز نیست.^۱

منظور از شیطان بودن سگ سیاه چیست؟

از اینکه در برخی از احادیث از سگ سیاه به شیطان تعبیر شده عموماً دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی گفته‌اند که در اینجا منظور شیطان حقیقی است که خود را به شکل سگ سیاه در می‌آورد^۲ لیکن برخی دیگر از علماء معتقداند که منظور از شیطان بودن سگ سیاه در شرارت، مضر و کم‌فایده بودن آن است و این دیدگاه به صواب نزدیک‌تر است به دلایل ذیل:

(۱) اهل لغت می‌گویند: «شیطان اسمی است برای هر موجود شرور، فاسد و سرکش از جن و انسان و حیوان».^۳

۱- ربک: المغنی لابن قدامة، ج ۴، ص ۱۹۱.

۲- ربک: إعلام الموقعین عن رب العالمین - ابن القیم، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۱م)، ج ۲، ص ۶۷: «الکلب الأسود شیطان»، وهذا إن أريد به أن الشيطان يظهر في صورة الكلب الأسود كثيراً كما هو الواقع فظاهر، یعنی: «سگ سیاه شیطان است؛ این اگر منظور از آن شیطان است که به شکل سگ سیاه زیاد ظاهر می‌شود همان‌گونه که در امر واقع و ظاهر چنین است...»

۳- مفردات راغب اصفهانی - مترجم: جهانگیر ولدییگی، (سندج، آراس، ۱۳۸۹)، ص ۲۶۴؛ همچنین بنگرید به: [مجاز القرآن - أبو عبیده، (ط: مکتبة الخانجی، القاهرة، ۱۳۸۱هـ)، ج ۱، ص ۳۲؛ الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية - الجوهري، (ط: ۴، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷م)، ج ۵، ص ۲۱۴۴؛ مختار الصحاح - زین الدین الرازی، (ط: ۵، المکتبة العصرية - الدار النموذجية، بیروت، صیدا، ۱۹۹۹م)، ص ۱۶۵؛ لسان العرب - ابن منظور، (ط: ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ)، ج ۱۳، ص ۲۳۸] - «وکل عات متمرّد من الجن والإنس والدواب شیطان»

۲) عرب برخی از حیوانات را شیطان اسم نهاده مانند مار.^۱

۳) ابوهریره رضی الله عنه می گوید: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم: رأى رجلا يتبع حمامة فقال: شيطان يتبع شيطانة»^۲ یعنی: «رسول الله صلی الله علیه و آله مردی را دید کبوتری را دنبال می کند، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: شیطانی به دنبال شیطان دیگری است.» با توجه به این حدیث، این مردی که در پی کبوتر بوده به شیطان تعبیر شده به سبب دوری اش از حق و مشغول شدن به چیزی که به کارش نمی آید و همچنین این کبوتر به شیطان اسم برده شده چونکه برای آن شخص، غفلت از یاد خداوند را در پی داشته است.^۳ بنابراین شیطان بودن این مرد یا این کبوتر به معنای شیطان حقیقی نیست و در مورد سگ سیاه نیز می توان همین تعبیر شیطان بودن را حمل بر کم خیری و دوری از سودمندی آن به نسبت سائر سگ ها دانست.

• امام بغوی رحمته الله (م ۵۱۶هـ) می گوید: «قرار دادن سگ سیاه بعنوان شیطان به سبب خباثت آنهاست چونکه این نوع سگ ها مضرت ترین و گزنده ترین سگ ها است و همچنین سریع ترین است در نوع خودش با این وجود کم ترین منفعت را دارد و بدترین نگهبان است و دورترین سگ ها به سگ شکاری است و بیش ترین خمیازه را دارد.»^۴

۱- ر.ک: الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية - الجوهري، ج ۵، ص ۲۱۴۴؛ مختار الصحاح - زين الدين الرازي، ص ۱۶۵: «العرب تسمى الحية شيطانا»

۲- سنن أبي داود، ج ۴، ص ۲۸۵ ح ۴۹۴۰؛ سنن ابن ماجه، (ط: دار إحياء الكتب العربية، فيصل عيسى البابي الحلبي)، ج ۲، ص ۱۲۳۸ ح ۳۷۶۵؛ حديث حسن.

۳- ر.ک: عون المعبود شرح سنن أبي داود - العظيم آبادي، (ط: ۲)، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۵هـ، ج ۱۳، ص ۱۹۴.

۴- شرح السنة - البغوي، ج ۱۱، ص ۲۱۲.

- امام ابن رشد مالکی رحمته الله (م ۵۲۰هـ) می‌گوید: «شیطان بودن سگ سیاه؛ یعنی، از خیر و فایده بدور و به شر و زیان و آزار نزدیک باشد و این در مورد شیاطین جن و انس نیز صدق می‌کند. علماء گفته‌اند: این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله "سگ سیاه شیطان است." دلیلی بر وجوب کشتن آن نیست، زیرا شیاطین انس و جن نیز بسیار هستند در حالی که کشتن آنها واجب نیست؛ رسول الله صلی الله علیه و آله مردی را دید کبوتری را دنبال می‌کند، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: "شیطانی به دنبال شیطانی دیگر است."^۱
- امام ابن عبدالبر رحمته الله (م ۴۶۳هـ) می‌گوید: «این فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله "سگ سیاه، شیطان است." دلیلی بر کشتن آن نیست چراکه شیاطین جن و انس به کشتن‌شان امر نشده است.»^۲
- امام ابن قیم رحمته الله (م ۷۵۱هـ) می‌گوید: «اگر منظور از آن این است که سگ سیاه شیطان سگ‌هاست پس این در هر نوع از انواع حیوانات شیاطینی وجود دارد و آن همان موجود شرور و سرکش است همان‌طور که شیاطین انسان‌ها موجودات شرور و سرکش هستند و شتر نیز شیطان (سرکش‌ترین) چهارپایان اهلی است و بر سر هر شتری شیطان نیست.»^۳
- امام بدرالدین الشبلی رحمته الله (م ۷۶۹هـ) می‌نویسد: «قاضی ابولیلی رحمته الله گوید: اگر گفته شود مفهوم این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله چیست که "سگ سیاه، شیطان است" در حالی که معلوم است که آن از سگ متولد شده و همچنین این فرموده حضرت صلی الله علیه و آله که "شتر از جن است" در صورتی که آن هم از شتر متولد شده است؟ جواب داده می‌شود: این از باب تشبیه به جن است چونکه سگ سیاه، شرورترین سگ‌ها و کم‌ترین فایده را دارد و شتر نیز به جن تشبیه شده به سبب سرسختی و

۱- رک: البیان والتحصیل - ابن رشد، ج ۹، صص ۳۵۴ - ۳۵۵.

۲- الاستذکار - ابن عبدالبر، ج ۸، ص ۴۹۸.

۳- إعلام الموقعین عن رب العالمین - ابن القیم، ج ۹، ص ۶۷.

یاغی بودنش است همان‌طور که گفته می‌شود فلانی شیطان است هرگاه سرسخت و شرور باشد.^۱

- امام عبدالرؤف مناوی رحمته الله (م ۱۰۳۱ هـ) می‌گوید: «سگ سیاهی که بطور خالص سیاه است شیطان اسم گذاشته شده به این خاطر بوده که خبیث‌ترین سگهاست و کم‌ترین منفعت را دارد و در بین سگ‌ها بیش‌ترین خمیازه را می‌کشد از این‌رو امام احمد بن حنبل رحمته الله فرموده شکار بوسیله‌ی این سگ‌ها جائز نیست.^۲»

دفاع از سگ‌ها در برابر حوادث زیان‌بار

بنابر دیدگاه فقهاء، دفع ضرر از سگ‌های غیرگزنده و همچنین حفظ حیات آنها «واجب» است^۳ به دلیل این حدیثی که ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: مردی در راهی می‌رفت و به شدت تشنه شد. آنگاه چاه آبی را یافت، به داخل چاه رفت و آب نوشید؛ سپس بیرون آمد. ناگهان دید که سگی به علت تشنگی زبانش بیرون شده و خاک‌ها را می‌خورد. آن مرد گفت: این سگ به حدی تشنه است که من تشنه بودم. آنگاه داخل چاه رفت و موزه‌اش را از آب پر نمود و با دهانش آن را گرفت و از چاه بالا آمد و به سگ آب داد. آنگاه خداوند متعال عمل او را پسندید و

۱- آکام المرجان فی أحكام الجان - الشبلی، (ط: مكتبة القرآن، مصر، القاهرة)، صص ۴۵ - ۴۶؛ همچنین بنگرید به:

[مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح - الملا القاری، ج ۷، ص ۲۲۶۱]

۲- التیسیر بشرح الجامع الصغیر - المناوی، (ط: ۳، مكتبة الإمام الشافعی، الرياض، ۱۹۸۸ م)، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳- ر.ک: الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۵، ص ۱۳۴.

گناهانش را بخشید. گفتند: ای رسول الله! آیا در رسیدگی به حیوانات زبان بسته به ما پاداش می‌رسد؟ فرمود: کمک کردن به هر موجود زنده‌ای موجب پاداش است.^۱

• جمهور فقهاء فرموده‌اند: «اگر مسلمانی فقط آب کافی برای وضویش داشته باشد و در عین حال حیوانی محترم مانند سگ همراه وی باشد که تشنه است، واجب است که این مسلمان به جای وضو با آب، تیمم کند و آب را به آن حیوان بدهد.»^۲

• امام نووی رحمته الله (م ۶۷۶هـ) می‌گوید: «همان‌گونه که بخشیدن مال برای زنده ماندن انسانی که معصوم الدم است واجب است، بخشیدن مال نیز برای زنده ماندن حیوانات محترم واجب است هرچند مالک آن دیگری باشد. اگر شخصی سگِ گرسنه - غیر گزنده - و گوسفندی همراه داشته باشد، واجب است که گوسفند را ذبح کند و آن سگ را غذا دهد.»^۳

^۱ - صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۱۱ ح ۲۳۶۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۶۱ ح ۲۲۴۴: «عن أبي هريرة رضي الله عنه: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: "بيننا رجل يمشی، فاشتد عليه العطش، فنزل بئرا، فشرب منها، ثم خرج فإذا هو بكلب يلهث يأكل الثرى من العطش، فقال: لقد بلغ هذا مثل الذي بلغ بي، فملأ خفه، ثم أمسكه بفيه، ثم رقى، فسقى الكلب، فشكر الله له، فغفر له"، قالوا: يا رسول الله، وإن لنا في البهائم أجرا؟ قال: في كل كبد رطبة أجر»

^۲ - حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، (ط: دار الفكر، بی تا)، ج ۱، ص ۱۶۲؛ المجموع - النووی، ج ۲، ص ۲۴۵؛ مراقی الفلاح شرح متن نور الإيضاح - الشرنبلالی، (ط: ۱، المكتبة العصرية، ۲۰۰۵م)، ص ۵۱؛ رد المحتار علی الدر المختار - ابن عابدین، ج ۱، ص ۲۳۴؛ كشف القناع عن متن الإقناع - البهوتی، (ط: دار الكتب العلمية)، ج ۱، ص ۱۶۴.

^۳ - روضة الطالبین وعمدة المفتین - النووی، (ط: ۳، المكتب الإسلامي، بیروت، دمشق، عمان، ۱۹۹۱م)، ج ۳، ص ۲۸۸؛ المجموع شرح المذهب - النووی، ج ۹، ص ۴۸: «كما يجب بذل المال لإبقاء الآدمي المعصوم، يجب بذله لإبقاء البهيمة المحترمة، وإن كان ملكا للغير... ولو كان لرجل كلب غير عقور جائع وشاة، لزمه ذبح الشاة لإطعام الكلب.»

عنایت مسلمین به حیوانات

اولین اعلامیه در رابطه با مهربانی و رحمت با حیوانات که در مبانی تمدن ما اعلام شده، این است که عالم حیوانات همانند عالم انسان‌ها دارای ویژگی، طبیعت و شعور است. خداوند متعال فرموده: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ﴾ [انعام: ۳۸]، یعنی: «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند؛ مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند.» و حیوانات نیز مانند انسان‌ها حق مهربانی و ترحم را دارند چنان‌چه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الراحمون يرحمهم الرحمن»^۱ یعنی: «خداوند به رحم کنندگان رحم می‌کند.» و همچنین آنحضرت ﷺ فرمودند: «من أعطي حظه من الرفق، فقد أعطي حظه من خير الدنيا والآخرة»^۲ یعنی: «هر که را از ملایمت بهره داده‌اند، از نیکی دنیا و آخرت بهره‌اش داده‌اند.» بلکه مهربانی با حیوانات موجب داخل شدن صاحب آن به بهشت می‌شود همان‌طور که قساوت و بدرفتاری با حیوانات نیز موجب وارد شدن عامل آن به آتش جهنم می‌شود.^۳ بسیار شنیده شده که اروپایی‌ها و غربی‌ها نسبت به حقوق حیوانات توجه خاصی داشته و در امور زندگی به آنها وابسته‌اند و به دفاع از آنها مبادرت می‌ورزند بطوری که اگر کسی با حیوانی بدرفتاری کرده باشد او را تا پای محکمه‌ی قاضی خواهند برد و وی را مجازات می‌کنند. هرچند این عمل نیکو و پسندیده است لیکن این نوع کارها تازگی ندارد و از قرون گذشته در بین مسلمانان رایج بوده و دانشمندان اسلامی در این زمینه مقالات و کتاب‌ها نوشته‌اند و به نصوص شرعی و اقوال علماء استناد نموده‌اند. در این زمینه جا دارد به بخشی از این موارد اشاراتی

۱- مسند الإمام أحمد بن حنبل، (ط: ۱)، مؤسسة الرسالة، (۲۰۰۱م)، ج ۱۱، ص ۳۳ ح ۶۴۹۴؛ سنن أبی داود، ج ۴، ص ۲۸۵ ح ۴۹۴۱؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۲۳ ح ۱۹۲۴.

۲- مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴۲، ص ۱۵۳ ح ۲۵۲۵۹؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۶۷ ح ۲۰۱۳.

۳- ر.ک: مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا - مصطفى السباعی، صص ۱۷۷ - ۱۷۸.

داشته باشیم تا برای برخی از مسلمانان فریب خورده که نسبت به موضوع «حقوق حیوانات در اسلام» تردید دارند سبب اطمینان و برای کسانی هم که جانب عناد و دشمنی را گرفته‌اند نیز خاری در چشم باشد و حساب آنان را به خداوند متعال واگذار می‌کنیم!

أ) امام ابوبکر المحولی رحمته الله متوفی ۳۰۹ هـ.ق، مصادف با ۹۱۱ م، یعنی، حدود ۱۲ قرن پیش، کتابی با عنوان «فضل الکلاب علی کثیر ممن لبس الثیاب»، یعنی: «برتری سگ‌ها بر بسیاری از کسانی که لباس می‌پوشند.» تألیف نموده که در آن برخی از احادیث نبوی صلی الله علیه و آله و اقوال صحابه رضی الله عنهم و علماء رحمهم الله در خصوص تعامل و احترام به سگ‌ها را نقل کرده است. وی بیان داشته که «سگ دارای منافع و فضایل زیاد است بطوری که همیشه قاضیان، فقهاء، والیان، عابدان و زاهدان که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند با وجود این که می‌دیدند که از سگ‌ها جلوی درب خانه‌ها و زمین‌ها نگه‌داری می‌شود لیکن بر آن ایراد نمی‌گرفتند و چنانچه اگر می‌دانستند که این کار درست نیست قطعاً بر آن ایراد می‌گرفتند و از آن نهی می‌کردند در حالی که نزد آنان اگر کسی سگی را می‌کشت مجازات داشت از این‌رو امر به کشتن سگ‌ها در گذشته معنای خاصی داشته و دارای علتی بوده و اکنون این سگ‌ها از آن بدور هستند.»^۱

بطور نمونه از این کتاب مذکور می‌خوانیم:

- روزی عمر بن خطاب رضی الله عنه مردی بادیه نشین را دید که با خود سگی را همراه دارد. عمر رضی الله عنه به او فرمود: این چیست که همراهت است؟ آن مرد گفت: ای امیر المؤمنان، این بهترین همراه

^۱ - فضل الکلاب علی کثیر ممن لبس الثیاب، ص ۴۳.

است که اگر به او چیزی بدهی تشکر می‌کند و اگر چیزی را هم از او منع کنی صبر می‌کند! عمر

بن خطاب رضی الله عنه فرمود: «بهترین رفیق است پس آن را نگه‌دار.»^۱

- عبدالله بن عباس رضی الله عنهما فرموده: «سگ با وفاء، بهتر از انسان خائن است.»^۲
- عامر شعبی رضی الله عنه فرموده: «بهترین خصلت سگ این است که در دوستی‌اش نفاق نیست.»^۳
- جعفر بن سلیمان رضی الله عنه گوید: مالک بن دینار رضی الله عنه را دیدم که سگی به همراه دارد. به او عرض کردم این چیست؟ فرمود: «این [سگ] بهتر از همنشین بد است.»^۴

ب) امام عزالدین بن عبدالسلام رحمته الله متوفی ۶۰۶هـ، مصادف با ۱۲۶۲م، یعنی، حدود ۹ قرن پیش، منشوری باعنوان «حقوق البهائم والحيوان على الإنسان»، یعنی: «حقوق چهارپایان و حیوانات بر انسان» در کتاب "قواعد الاحکام" گنجانده و چندین بند حقوقی در خصوص تعامل با حیوانات را بیان داشته است! مفاد این منشور به قرار ذیل است:

- «حقوق چهارپایان و جانداران بر انسان؛ از جمله این حقوق اینست که (۱) اگر حیوان چنان از کار افتاده یا مریض شد که از او هیچ سودی نمی‌برد به اندازه حیوان سالم برایش خرج کند. (۲) و بر آن، چنان باری حمل نکند که بیشتر از طاقتش باشد. (۳) و حیوان را با شکستگی، شاخ زدگی یا جراحت با حیوانی از جنس خودش یا غیر جنسش یکجا نگذارد. (۴) و همچنین باید حیوان را به وجه احسن ذبح کند. (۵) و قبل از اینکه حیاتش کاملاً زائل شود و بدنش سرد شود پوستش را نکشد (۷) و استخوانش را نشکند (۸) و همچنین نباید بچه حیوان را در جلوی

^۱ - منبع قبل، صص ۳۵ - ۳۶.

^۲ - منبع قبل، ص ۳۶.

^۳ - منبع قبل.

^۴ - منبع قبل.

مادرش بکشد بلکه تنها و بدون حضور حیوانی دیگر، چنان کند (۹) و آغل و آخور آنها را تمیز نگه دارد. (۱۰) و نر و ماده را به هنگام آوردنش جمع کند. (۱۱) و از سهمیه خوراکش محروم نگرداند (۱۲) و آن را با سنگی نزند که موجب شکستن استخوانش گردد (۱۳) و کاری نکند که موجب حرام شدن حیوان شود.^۱

• امام ابن قدامه رحمته الله (م ۶۲۰هـ) می گوید: «هرکس مالک چهارپایان است واجب است که به امور آنها رسیدگی کند و مخارج و نیازهایشان را از علوفه یا محل چراگاهشان را تأمین نماید و اگر مالک از این کار امتناع کند بدان اجبار می شود و اگر سرباز زد و یا در انجام آن عاجز باشد در این صورت باید آن حیوان را بفروشد یا اگر جزء جاندارانی است که قابل ذبح است (حلال گوشت) پس باید ذبح شود. بنابراین تأمین مخارج حیوان بر مالک آن واجب است و بر ولی امر لازم است که او را بدان کار مجبور کند.»^۲

• امام حجاوی رحمته الله (م ۹۶۸هـ) در بیان حقوق حیوانات می گوید: «(۱) آب و غذا دادن حیوانات بر مالک لازم است حتی اگر از کار افتاده باشند تا اینکه بهبودی پیدا می کنند. (۲) بر او (مالک) لازم است که بدان ها توجه نماید، (۳) برایشان هزینه کند (۴) و کسی را برای نگهداری از آنها بگمارد (۵) و حرام است که بیش از توانشان از آنها کار بکشد (۶) و در صورت زیان به بچه های حیوانات از شیرشان بدوشد (۷) و برای شیردوشنده سنت است که ناخن هایش را کوتاه کند مبادا که پستان آنها را زخمی نماید. (۸) همچنین بر او (مالک) لازم است که آنها را به مکانی دور از آزارسانی مردم ببرد (۹) و داغ نهادن بر حیوان جز به منظور مداوا حرام است (۱۰) و عقیم کردن آنها (جز گوسفند و خروس) مکروه است (۱۱) و آویزان کردن زنگوله و طناب و

^۱ - قواعد الأحكام فی مصالح الأنام - ابن عبد السلام، (ط: مكتبة الكليات الأزهرية، القاهرة، ۱۹۹۱م)، ج ۱، ص ۱۶۷.

^۲ - ر.ک: المغنی لابن قدامة، ج ۸، ص ۲۵۷.

بریدن بخشی از جسم حیوان همچون دُم بعنوان نشانه مکروه است (۱۲) و لعن و نفرین حیوان حرام است (۱۳) و اگر شخص از هزینه کردن برای حیوان سر باز زد بر آن کار مجبور می‌شود (۱۴) اما اگر بازهم خودداری نمود یا عاجز بود مجبور به فروش یا اجاره یا ذبح حیوان می‌گردد (۱۵) و اگر بازهم [مالک] نپذیرفت حاکم انجامش می‌دهد (۱۶) و جایز است که از حیوان برای حمل بار یا سواری استفاده نمود (۱۷) و جایز نیست که حیوان بیمار را کشت یا سر برید با این استدلال که راحت می‌شود (۱۸) و کسانی که از سگ مباح [مانند نگهبان یا شکاری یا تعلیم دیده و ...] نگهداری می‌کنند باید بدان خوراک دهند (۱۹) و زندانی نمودن حیوانات تا اینکه از گرسنگی هلاک می‌شوند حرام است (۲۰) و حیواناتی که کشتن‌شان مباح است را بایستی به بهترین شیوه کشت.^۱

پ) امام ابن حجر هیتمی رحمته الله متوفی ۹۷۴ هـ ق، مصادف با ۱۵۶۷ م، یعنی حدود ۶ قرن پیش، در کتاب «الزواجر عن اقتراف الكبائر»^۲ هرگونه شکنجه و تعذیب حیوانات را با استناد به نصوص شرعی جزء گناهان کبیره - که عامل آن وعید به عقاب داده شده - معرفی نموده است. از گناهان کبیره، شکنجه کردن حیوانات، مانند اینکه چیزی از بینی یا گوش و امثال آن را قطع کرد و یا صورت حیوان را داغ کرد و آن را بی‌هدف کشتن بدون نیاز به خوردن، و اینکه کشتن یا ذبح حیوان با احسان نباشد.

^۱ - الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل - الحجاوی، (ط: دار المعرفة، بیروت)، ج ۴، صص ۱۵۵ - ۱۵۶؛ کشاف القناع

عن متن الإقناع - البهوتی، (ط: دار الکتب العلمیة)، ج ۵، صص ۴۹۳ - ۴۹۴.

^۲ - الزواجر عن اقتراف الكبائر - ابن حجر الهیتمی، (ط: ۱، دار الفکر، ۱۹۸۷ م)، ج ۱، صص ۳۴۷ - ۳۴۹.

• ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم فرمودند: «من مثل بذی روح، ثم لم یتب مثل الله به یوم القیامة»^۱ یعنی: «هر کس جاندارى را شکنجه دهد سپس توبه نکند، خداوند روز قیامت در جزای آن او را عذاب می دهد.»

• جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: «أن النبی صلی الله علیه وسلم مر علیه حمار قد وُسم فی وجهه فقال: لعن الله الذی وسمه»^۲ یعنی: «پیامبر صلی الله علیه و آله بر الاغی گذشت که بر صورتش داغ نهاده بودند، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند لعنت کند کسی را که آن را داغ کرده است.» به اجماع علماء داغ کردن صورت به سبب ورود این حدیث از آن نهی شده و نهی مقتضی تحریم است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فاعل آن را لعن کرده است.^۳

• ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: «لا تتخذوا شیئا فیہ الروح غرضا»^۴ یعنی: «چیزی که روح دارد و زنده است بیهوده نشانه قرار ندهید.» علماء فرموده اند: «صبر بهائم، یعنی اینکه حیوان محبوس شود در حالی که زنده است و با تیر انداختن و امثال آن کشته شود و این همان مفهوم حدیث: "لا تتخذوا شیئا..." است، و بدین معناست که حیوان زنده ای را بی هدف و بیهوده مانند به قصد

۱- مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۹، ص ۴۷۳ ح ۵۶۶۱؛ رجال و راویان این حدیث از ثقات و معتمدین هستند. [ر.ک: فتح الباری - ابن حجر، ج ۹، ص ۶۴۴؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد - الهیثمی، (ط: مكتبة القدسی، القاهرة، ۱۹۹۴م)، ج ۴، ص ۳۲ ح ۶۰۲۶]

۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۷۳ ح ۲۱۱۷.

۳- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۱۴، ص ۹۷: «وأما الوسم فی الوجه فمنهی عنه بالإجماع للحديث... إلى تحریمه وهو الأظهر لأن النبی صلی الله علیه وسلم لعن فاعله واللعن یقتضی التحریم»

۴- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۴۹ ح ۱۹۵۷.

پوست حیوان و چیزهای شبیه آن در مواجهه تیراندازی قرار ندهید و این نهی برای تحریم است.^۱

- سعید بن جبیر رضی الله عنه می گوید: ابن عمر رضی الله عنهما از کنار چند نفر عبور کرد که پرنده‌ای را حبس کرده بودند و داشتند به سمت آن تیر می انداختند، وقتی ابن عمر رضی الله عنهما را دیدند بلافاصله پراکنده شدند، ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: «من فعل هذا؟ إن رسول الله صلى الله عليه وسلم لعن من فعل هذا»، یعنی: «چه کسی این کار را کرده؟ همانا رسول الله صلی الله علیه و آله فاعل این عمل را لعن کرده است!»^۲
- ابوهریره رضی الله عنه می گوید: «أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: عذبت امرأة في هرة سجنتها حتى ماتت فدخلت فيها النار، لا هي أطعمتها وسقيتها، إذ حبستها، ولا هي تركتها تأكل من خشاش الأرض»^۳ یعنی: «همانا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: زنی به خاطر گربه‌ای که آن را زندانی کرده بود تا اینکه مُرد، عذاب داده شد و به آتش دوزخ گرفتار گردید، آن زن نه به گربه غذا می داد و نه او را سیراب می نمود و نه می گذاشت از حشرات و جانوران زمین تغذیه کند.» این حدیث دلیلیست بر تحریم کشتن گربه و سائر جانوران مشابه آن و همچنین تحریم محبوس کردن آنها بدون غذا و آب است، زیرا این کار باعث تعذیب و شکنجه مخلوقات خدا می شود و شارع مقدس از آن نهی نموده است.^۴ و این زن، مسلمان بوده که به سبب این عملش جهنمی

^۱ - المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج - النووي، ج ۱۳، ص ۱۰۸: «قال العلماء صبر البهائم أن تحبس وهي حية لتقتل بالرمي ونحوه وهو معنى لا تتخذوا شيئا فيه الروح غرضا أي لا تتخذوا الحيوان الحي غرضا ترمون إليه كالغرض من الجلود وغيرها وهذا النهي للتحریم»

^۲ - صحيح البخاری، ج ۷، ص ۹۴ ح ۵۵۱۵؛ صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۴۹ ح ۱۹۵۸.

^۳ - صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۶۰ ح ۲۴۴۲؛ این حدیث از طریق عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نیز روایت شده است. [ر.ک:

صحيح البخاری، ج ۳، ص ۱۱۲ ح ۲۳۶۵]

^۴ - نیل الأوطار - الشوكاني، (ط: ۱، دار الحديث، مصر، ۱۹۹۳م)، ج ۷، ص ۷.

شده است و این معصیت و گناه کوچکی نیست بلکه با اصرار بر آن به گناه بسیار بزرگی تبدیل شده است. همچنین با توجه به این حدیث خرجی حیوان بر مالک آن واجب است.^۱

• سهل بن الحنظلیه رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله از کنار شتری که شکمش [از فرط گرسنگی] به پُشتش چسپیده بود عبور کرد و فرمودند: «اتقوا الله في هذه البهائم المعجمة، فاركبوها صالحة، وركوها صالحة»^۲ یعنی: «در حق این حیوانات زبان بسته، از خدا بترسید؛ بر سواری آنها، بطور شایسته ای سوار گردید و حلال آن را نیز به گونه ای شایسته بخورید!»

• معاذ بن انس رضی الله عنه می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله از گروهی می گذشت که سوار بر چهارپایان بودند و آنحضرت صلی الله علیه و آله به آنان فرمودند: «لا تتخذوها كراسي لأحاديثكم في الطرق، والأسواق»^۳ یعنی: «آنها را بعنوان کرسی های نشستن برای گفتگوهایتان در راها و بازارها قرار ندهید.»

• عبدالله بن عباس رضی الله عنه می گوید: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله علیه وسلم عن التحريش بين البهائم»^۴ یعنی: «رسول الله صلی الله علیه و آله از به جان هم انداختن حیوانات نهی نموده است.» بر اساس این حدیث، به جان هم انداختن حیوانات که بنوعی سبب اذیت آنها نیز می شود جائز نیست در حالی که در برخی از کشورهای جهان با این همه ادعای سر به فلک کشیده حقوق حیواناتشان، مسابقات گاوبازی، خروس جنگی و ... دارند و با آزار رساندن به این حیوانات زبان بسته موجبات خوشگذرانی خویش را فراهم می کنند!

۱- ر.ک: المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج - النووي، ج ۱۴، صص ۲۴۰ - ۲۴۱.

۲- سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۳ ح ۲۵۴۸؛ صحيح ابن خزيمة، (المكتب الإسلامي، بيروت)، ج ۴، ص ۱۴۳ ح ۲۵۴۵.

۳- مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲۴، ص ۳۹۲ ح ۱۵۶۲۹؛ المعجم الكبير للطبراني، (ط: ۲، مكتبة ابن تيمية، القاهرة)، ج ۲۰، ص ۱۹۳ ح ۴۳۲.

۴- سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۱۰ ح ۱۷۰۸؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۶ ح ۲۵۶۲.

• عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: «لعن النبی صلی الله علیه وسلم من مثل بالحيوان»^۱ یعنی:

«پیامبر صلی الله علیه و آله کسی که حیوانی را مثله (شکنجه) کند لعنت نموده است.» این حدیث و احادیث

مشابه آن به تحریم تعذیب حیوانات دلالت دارند.^۲

ث) امام منصور البهوتی رحمته الله متوفی ۱۰۵۱ هـ.ق، مصادف با ۱۶۴۱ م، یعنی حدود ۵ قرن پیش، در کتاب

«شرح منتهی الإرادات»^۳ تصریح نموده که بر ولیّ امر (حاکم یا قاضی شرعی) لازم است که در صورت

ضایع شدن حقوق حیوان، با متخلفین برخورد تعزیراتی انجام دهد! البته قبل از او امام ضیاءالدین محمد

بن محمد القرشی معروف به ابن الاخوة رحمته الله متوفی ۷۲۹ هـ.ق، مصادف با ۱۳۲۹ م، یعنی حدود ۸ قرن

پیش، در کتاب «معالم القربة فی طلب الحسبة» که به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده در باب‌های

متعددی به امور تنظیمی، بازرسی و تعزیراتی مربوط به نقض حقوق حیوانات پرداخته است که عناوین

برخی از باب‌های آن را به اختصار در اینجا تیتروار متذکر می‌شویم.

• هرکس مالک چهارپایان است واجب است که به امور خورد و خوراک علوفه آنها رسیدگی

کند و آنچه که موجب ضررشان است را بر آنها حمل نکند و از شیرشان جز آنچه که برای

بچه‌هایش اضافی باقی مانده ندوشد چون این شیر غذای آنهاست و جائز نیست که از آن منع

شوند و همچنین اگر مالک از مخارج آنها امتناع نماید بدان اجبار می‌شود و اگر توان مالی

نداشت در صورت امکان لازم است اجاره داده شود و اگر هم این کار ممکن نبود، فروخته

می‌شود و اگر کسی در خرید آن رغبتی نداشت پس عهده‌دار آن از بیت المال است و باز اگر

^۱ - صحیح البخاری، ج ۷، ص ۹۴ ح ۵۵۱۵.

^۲ - رک: فتح الباری - ابن حجر، ج ۹، ص ۶۴۵.

^۳ - شرح منتهی الإرادات - البهوتی، (ط: ۳، عالم الکتب، ۱۹۹۳ م)، ج ۳، ص ۲۴۷.

این هم امکان پذیر نباشد در این حالت بر عموم مسلمانان واجب است که عهده‌دار آن شوند، بر این اساس این امر جزء حقوق اشتراکی محسوب می‌شود.^۱

• داروغه باید کاسبان هیزم، کاه، هندوانه، شلغم و ... را از این منع کند که بار سنگین بر پشت حیوانات بگذارند - در حالی که حیوان یکجا توقف کرده - چون هنگامی که حیوان حرکت نمی‌کند و بار سنگین بر آن هست به حیوان ضرر می‌رساند و این برای حیوان یک نوع عذاب است.^۲

• شایسته است صاحبان چهارپایان از خداوند متعال بترسند در مورد کار کشیدن از حیوان، و همچنین حیوانات را در هر شبانه روز استراحت بدهند تا خوب استراحت کنند و از حیوان برای آرد کردن بیش از پنج من کار نکشند.^۳

• در نظارت بر قصاب‌ها؛ برای قصاب‌ها جائز نیست که با چاقوی کُند حیوان را ذبح کنند، زیرا این کار نوعی عذاب دادن است و پیامبر ﷺ از تعذیب حیوانات نهی نموده‌اند و همچنین مشروع نیست که بلافاصله سلاخی بعد از ذبح انجام شود تا زمانی که بدن حیوان سرد نشود و روح از آن خارج نگردد.^۴

• در نظارت بر دامپزشک؛ علاج حیوان سخت‌تر از علاج آدمی است چون که چهارپایان قادر به سخن گفتن نیستند تا مرض خود را بیان کنند و دامپزشک فقط با معاینه می‌تواند تشخیص دهد

۱- معالم القربة فی طلب الحسبة - ابن الأخوة، (ط: ۱)، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۸هـ)، ص ۲۷.

۲- منبع قبل، ص ۱۳۶.

۳- منبع قبل، ص ۱۵۲.

۴- منبع قبل، صص ۱۶۲ - ۱۶۳.

پس دامپزشک نیاز به دقت فراوان در شناسایی مریضی‌های چهارپایان و علاج آنها دارد بنابراین

امر دامپزشکی را باید به کسی داد که خبره و دارای علم باشد.^۱

• داروغه باید از عقیم کردن انسان‌ها و حیوانات جلوگیری نماید و کسی که مرتکب چنین عملی شود باید تأدیب گردد و اگر در آن قصاص یا دیه باشد به کسی که مستحق آن است به تمام و کمال حق را بدهد.^۲

• داروغه باید از مسابقات و بازی‌های خروس جنگی و شاخ‌زدن حیوانات جلوگیری نماید.^۳

حقایقی که باید هر مسلمانی بداند!

شاید برای عموم مسلمانان، این مطالبی که اکنون بیان می‌کنیم جای تعجب باشد لیکن این حقیقتی انکار ناپذیر است هرچند دعوت‌گران دین لازم است این مطالب را - در حد توان - به گوش همه برسانند اما می‌بینیم که در این حوزه بسیار کوتاهی شده و همین موجب این گشته که مسلمانان از حقیقت ترحم و مهربانی و ادای حقوق حیوانات در اسلام غافل شوند و کار به جایی برسد که بیگانگان (غیرمسلمانان) برای مسلمین الگوپذیر شوند حال اینکه در تمدن اسلامی و گذشتگان ما بهترین الگوها را داشته‌ایم که زبان از بیان آن عاجز می‌ماند.

بطور نمونه:

• عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: « کنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم في سفر، فانطلق لحاجته فأرأينا حمرة معها فرخان فأخذنا فرخيهما، فجاءت الحمرة فجعلت تفرش، فجاء النبي

^۱ - منبع قبل، ص ۲۳۴.

^۲ - منبع قبل، ص ۲۹۱.

^۳ - منبع قبل، ص ۳۵۱.

صلی الله علیه وسلم فقال: من فجع هذه بولدها؟ ردوا ولدها إليها^۱ یعنی: «همراه با رسول الله ﷺ در مسافرت بودیم حضرت ﷺ برای قضای حاجت رفت، در این هنگام پرنده‌ای را دیدیم که دو جوجه همراهش بود، جوجه‌هایش را برداشتیم، وقتی پیامبر ﷺ آمد فرمود: چه کسی با جوجه‌های این پرنده این کار را کرده است، جوجه‌هایش را به او بازگردانید.»

• سواده بن ربیع الجریمی رحمته الله می‌گوید: «أتیت رسول الله صلی الله علیه وسلم بأبی، فأمرنا بشیاء، وقال لها: مُري بنیک أن یقلموا أظفارهم؛ أن یوجعوا، أو یعبطوا ضروع الغنم، ومري بنیک أن یحسنوا غذاء رباعهم»^۲ یعنی: «همراه مادرم به حضور رسول الله ﷺ رفتم. آنحضرت ﷺ دستور فرمودند چند گوسفند در اختیار ما نهاده شد و به مادرم فرمودند: به پسرانت دستور بده ناخن‌های خود را بگیرند که پستان گوسفندها را به درد نیاورند و زخمی نکنند و به آنان بگو خوراک بره‌ها را خوب و پسندیده بدهند.»

• ابوهریره رحمته الله می‌گوید: «قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: إذا سافرت فی الخصب، فأعطوا الإبل حظها من الأرض، وإذا سافرت فی السنة، فأسرعوا علیها السیر...»^۳ یعنی: «رسول الله ﷺ فرمودند: هرگاه در زمین سرسبز مسافرت کردید سهمیه شتر را از زمین بدهید و هرگاه در زمین خشک مسافرت کردید به سرعت از آن عبور کنید.» این حدیث به مهربانی و رعایت مصلحت حیوانات ترغیب می‌کند.^۴

۱- سنن أبی داود، ج ۳، ص ۵۵ ح ۲۶۷۵؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۰م)، ج ۴، ص ۲۶۷ ح ۷۵۹۹.

۲- الطبقات الکبری لابن سعد، (ط: ۱، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۸م)، ج ۷، ص ۴۸؛ السنن الکبری للبیهقی، (ط: ۳، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۳م)، ج ۸، ص ۲۵ ح ۱۵۸۲۰؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۷، ص ۹۷ ح ۶۴۸۲.

۳- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۵ ح ۱۹۲۶.

۴- رک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۱۳، ص ۶۹.

- ابی سوده السَّمْبَسِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: «كَانَ عَدِي بْنُ حَاتِمٍ يَفْتَحُ الْخَبْزَ لِلنَّمْلِ وَيَقُولُ: إِنَّهُنَّ جَارَاتُ وَلَهْنٍ حَقٍّ» یعنی: «عَدِيّ بن حاتم ریزرِیزها نان را ریزرِیز می کرد و می فرمود: آنها همسایگان هستند و برایشان حقیست.»
 - ابودرداء رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ به شترش هنگام مرگ فرمود: «يَا أَيُّهَا الْبَعِيرُ لَا تَخَاصِمْنِي إِلَى رَبِّكَ فَإِنِّي لَمْ أَكُنْ أَحْمَلُكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ.»^۲ یعنی: «ای شتر، مرا پیش پروردگار مخاصمه نکنی چونکه بیش از توانت از تو حمالی نکشیدم!»
 - امام ذهبی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (م ۷۴۸هـ) در کتاب «سیر اعلام النبلاء» در سیره ی عارف والا مقام شیخ احمد رفاعی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می نویسد: «باری گربه ای روی لباس شیخ احمد خوابیده بود و شیخ قصد خواندن نماز را داشت و برای اینکه گربه اذیت نشود لباسش را پاره کرد و بعد از ادای نماز نشست و لباس خود را دوخت و فرمود: چیزی تغییر نکرده است!»^۳
 - امام تاج الدین سُبُکِی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (م ۷۷۱هـ) در کتاب «معید النعم ومبید النقم» که در مورد آداب مشاغل و حرفه ها تألیف نموده در بیان آداب شغل طّیان (گل کار) - کسی که بعد از بناء، دیوارها را سیمان یا گچ می کشد - می نویسد: «از وظایف گل کار این است که قبل از اینکه مکانی را گل کاری کند آن را بررسی نماید؛ بسیاری از گل کاران را می بینی که در قرار دادن گل روی دیوار شتاب می کنند و چه بسا بطور تصادفی پرنده یا جانداري که کشتن آن جائز نیست را با
-
- ^۱ - الزهد لأحمد بن حنبل، (ط: ۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۹م)، ص ۱۳۹ ح ۹۴۹؛ شعب الإیمان للبيهقي، (ط: ۱، مكتبة الرشد، الرياض، ۲۰۰۳م)، ج ۱۳، ص ۴۲۱ ح ۱۰۵۶۷.
- ^۲ - قوت القلوب - أبو طالب المكي، (ط: ۲، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۵م)، ج ۲، ص ۱۵۹؛ إحياء علوم الدين - أبو حامد الغزالي، (ط: دار المعرفة، بیروت)، ج ۱، ص ۲۶۴؛ مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا - مصطفى السباعي، (ط: ۱، دار الوراق، المكتب الإسلامي، بیروت، ۱۹۹۹م)، ص ۱۸۴.
- ^۳ - سیر أعلام النبلاء - الذهبي، (ط: ۳، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۵م)، ج ۲۱، ص ۷۸.

این کار به قتل می‌رسانند و با گِل آمیخته می‌کنند از این‌رو ممکن است هم به جهت کشتن این حیوان زبان‌بسته خائن به خدا شوند و هم در مقابل صاحب‌کار که آن حیوان را با مخلوط گِل داخل دیوار کرده است.^۱

- امام سیوطی رحمته الله (م ۹۱۱ هـ) در کتاب «الحاوی للفتاوی» داستان جالبی را نقل کرده و می‌نویسد: «شیخ تاج الدین سُبکی رحمته الله در کتاب "الترشیح" می‌گوید: روزی با جماعتی جلوی خانه بودم که سگی داشت از کنار ما عبور می‌کرد و [با تکان دادن بدنش] آب می‌پاشید و نزدیک بود بر لباسمان برخورد کند آنگاه با عصبانیت او را از خودم دور کردم و گفتم: ای سگ، ای توله سگ؛ در این اثنا بود که شیخ امام تقی الدین سبکی - پدرم - از داخل خانه صدای ما را شنید و بیرون آمد و فرمود: چرا آن را دشنام می‌دهی؟ عرض کردم: من فقط حقیقت را گفتم، مگر این سگ، توله سگ نیست؟ تقی الدین سبکی رحمته الله فرمود: این‌گونه است لیکن تو این حرفت را با حالت دشنام و توهین‌گونه گفتی و این شایسته نیست! تاج الدین سبکی رحمته الله می‌گوید: در این فایده‌ای است و اینکه جائز نیست هیچ مخلوقی را بگونه‌ای که جنبه‌ی توهین باشد صدا کرد.»^۲
- در سیره و زندگانی امام ابواسحاق شیرازی رحمته الله (م ۴۷۶ هـ) نوشته‌اند: «روزی امام ابواسحاق شیرازی رحمته الله همراه با برخی از شاگردانش از مسیری عبور می‌کردند که ناگهان در بین راه با سگی مواجه شدن، یکی از همراهان، آن سگ را نهیب داد و دور کرد. امام ابواسحاق رحمته الله او را

^۱ - معید النعم و مبید النقم - السُبکی، (ط: ۱، مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۹۸۶ م)، صص ۱۰۰ - ۱۰۱.

^۲ - الحاوی للفتاوی - السیوطی، (ط: دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۴ م)، ج ۱، ص ۲۸۳.

از این کار منع نمود و به وی فرمود: این سگ را از این راه دور نکن، مگر نمی‌دانی این راه بین من و آن سگ مشترک است.^۱

• دکتر مصطفی سباعی رحمته الله علیه (م ۱۳۸۴هـ) در کتاب «مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا» می‌نویسد: «نهادهای اجتماعی [در تمدن اسلامی] برای حمایت از حیوانات نقش به‌سزایی داشتند، همین برای ما کفایت می‌کند که در ثبت موقوفات قدیمی، اماکن وقفی خاصی برای علاج بیماری حیوانات و همچنین مراعات وقفی برای حیوانات پیر و درمانده وجود داشته‌اند. و همه‌ی اینها بر روحیه ملتی دلالت دارد که در مهربانی با حیوانات تا این حد بی نظیر پیش رفته‌اند.»^۲

احسان در کشتن حیوانات

در شریعت اسلام، حیواناتی که قربانی کردن آنها حلال است یا بنوعی جواز کشتن‌شان در صورت مودی بودنشان صادر شده لازم است که جانب احسان و نیکی در حق آنها را مراعات نمود و باید از خشونت، شکنجه و تعذیب آنها چه در هنگام قربانی و چه در موقع کشتن حیوان مودی خودداری کرد!

▪ سیدنا رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلِيُحْدِثَ أَحَدُكُمْ شَفْرَةً، فَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ»^۳ یعنی: «همانا خداوند در همه چیز احسان را واجب کرده است، پس هرگاه کشتید [به حکم شرع] به شیوه‌ی

^۱ - تهذیب الأسماء للنووی، (ط: دار الکتب العلمیة، بیروت)، ج ۲، ص ۱۷۳؛ طبقات الشافعیة الکبری للسیکی، (ط: ۲،

هجر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۳هـ)، ج ۴، ص ۲۲۶.

^۲ - مقتطفات من کتاب من روائع حضارتنا، صص ۱۸۳ - ۱۸۴.

^۳ - صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۴۸، ح ۱۹۵۵.

نیکو بکشید و هرگاه حیوانی را قربانی کردید پس با شیوهی نیکویی ذبح کنید و یکی از شما چاقواش را تیز کند و ذبیحه را راحت کند.»

- عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌گوید: «أَنْ رَجُلًا أَضْجَع شَاةَ يَرِيدُ أَنْ يَذْبَحَهَا وَهُوَ يَحْدُ شَفْرَتَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَتُرِيدُ أَنْ تَمِيتَهَا مَوَاتَاتٍ هَلَا حَدَدْتَ شَفْرَتَكَ قَبْلَ أَنْ تَضْجَعَهَا»^۱ یعنی: «مردی گوسفندی را بر روی زمین خوابانیده بود و می‌خواست آن را سر ببرد در حالی که داشت چاقواش را تیز می‌کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا می‌خواهی آن را زجرکش کنی، چرا قبل از اینکه آن را بر روی زمین بخوابانی، چاقوات را تیز نکردی؟!»
- قُرَّة بن إياس رضی الله عنه می‌گوید: «أَنْ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لِأَرْحَمَ الشَّاةِ أَنْ أَذْبَحَهَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنْ رَحِمْتَهَا رَحِمَكَ اللَّهُ»^۲ یعنی: «مردی عرض کرد: ای رسول الله، من هنگام ذبح گوسفند باید ترحم داشته باشم؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر [هنگام ذبح] به آن ترحم کنی خداوند به تو رحم می‌کند.»

برخی از اموری که در هنگام قربانی حیوان باید مراعات شود به قرار ذیل است:

- در جلوی حیوانِ قربانی، نباید چاقو را تیز کرد^۳.

^۱ - المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۵۷، ح ۷۵۶۳؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۴۷۱، ح ۱۹۱۴۱.

^۲ - الأدب المفرد للبخاری، (ط: ۳، دار البشائر الإسلامیة، بیروت، ۱۹۸۹م)، ص ۱۳۶ ح ۳۷۳؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳۳، ص ۴۷۲ ح ۲۰۳۶۳؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۵۷ ح ۷۵۶۲.

^۳ - رک: مصنف عبد الرزاق، (ط: ۲، المجلس العلمی، الهند، ۱۴۰۳هـ)، ج ۴، ص ۴۹۳ ح ۸۶۰۶؛ السنن الکبری للبیهقی،

ج ۹، ص ۴۷۱ ح ۱۹۱۴۲؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۱۱، ص ۳۳۲ ح ۱۱۹۱۶.

- حیوانی که قرار بر ذبح آن است نباید در مقابل حیوان دیگری ذبح کرد!
- توله‌های حیوان قربانی نباید به محل کشتارگاه برد.^۲
- سلاخی قبل از سرد شدن لاشه، و هرگونه تعذیب بدون فایده کراهت دارد.^۳
- هرگاه ذبحی انجام شد باید سریع آن را راحت کرد.^۴

نتیجه پایانی

اول اینکه: حقوق حیوانات در اسلام در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد و در نصوص شرعی و همچنین از دیدگاه فقهای اسلامی بدان تأکید شده است و به جرأت می‌توان گفت که اولین منشور حقوق حیوانات و عنایت به آن توسط مسلمانان تدوین شده و در کتاب‌های فقهی ابوابی را بدان اختصاص داده‌اند که بر اهل تحقیق پوشیده نیست. بنابراین این سخن که اسلام ناقض حقوق حیوانات است، سخنی باطل و فاقد اعتبار بوده که عده‌ای اسلام‌ستیز بر اسلام افتراء وارد کرده‌اند که بحمدالله در این کتابچه مستنداً و مستندلاً بطلان آن ثابت شد.

دوم اینکه: در خصوص نجس بودن سگ در اسلام، بین فقهای اسلامی اختلاف است و نظر قاطعی مبنی بر نجاست آن وجود ندارد چراکه در قرآن و سنت صحیح هیچ دلیل صریحی بر نجس بودن سگ وارد نشده و نهایت پذیرش در این موضوع، ظنی الدلالة است.

۱- ر.ک: مصنف عبد الرزاق، ج ۴، ص ۴۹۳ ح ۸۶۱۰؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۰، ص ۱۰۵ ح ۵۸۶۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۵۹ ح ۳۱۷۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۴۷۱ ح ۱۹۱۳۹.

۲- ر.ک: المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج - النووی، ج ۱۳، ص ۱۰۷.

۳- ر.ک: تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی - المبارکفوری، (ط: دار الکتب العلمیة، بیروت)، ج ۴، ص ۵۵۳.

۴- ر.ک: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۵۹ ح ۳۱۷۲؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۹، ص ۴۷۱ ح ۱۹۱۳۹.

سوم اینکه: حکم کشتن سگ بر اساس احادیثی که در این باره وارد شده مختلف بوده به این صورت که در ابتدا به کشتن سگ‌های مدینه امر شده که عمومیت نداشته به لحاظ مکانی و زمانی و سپس حکم آن بطور عموم نسخ گردیده و در نهایت کشتن سگ‌های گزنده و هار مجاز شده است.

چهارم اینکه: نگه‌داری از سگ‌ها به قصد منفعت با توجه به احادیث صحیح نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جواز داده شده است مانند سگ‌های شکاری، تربیت شده، نگهبان مزارع، گله، منازل و اماکن مهم و نیز سگ‌های ردیاب و امداد و امثال اینها، در غیر این موارد، نگه‌داری از سگ‌ها برای فخرفروشی یا تجمل‌گرایی شرعاً حرام است.

﴿وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾

«رد شبهات ملحدین»

رد تنبہات ملحدین



no-atheism.net



islamway1434



no_atheism



no_atheism



asteira